



بشرو

ازگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

۵۰ ربال

دوره دوم مهرماه ۱۳۶۳

شماره ۳

سرمقاله

سفنی درباره:

ارتقا مبارزات توده ها

مبارزات اعتراضی توده ها علیه استمگرها و سیاستهای ضد انقلابی رژیم، در کردستان به امری روزمره تبدیل شده است. طرح هر سیاست جدیدی از جانب رژیم و تلاش وی برای اتخاذ آن با سدی از مقاومت توده های مردم روبرو میشود.

جمهوری اسلامی همواره کوشیده است مردم کردستان را در برابر سیاستها، قوانین و نهادها و ارگانهای قهریه خود به تمکین وادارد و میخ دیکتاتوری و حاکمیت ارتجاعی خود را در کردستان

بقیه در صفحه ۲

اقلیت، مدافع جنبش خلق کرد

یا

مروج انفعال و شکست طلبی

اقلیت مدتهاست که در پیوشش "دفاع از جنبش خلق کرد" و "ایجاد اراده" واحد در این جنبش" مدافع سیاست سازش و تمکین نسبت به بورژوازی گردیده و کوشیده است تا از این طریق زمینه ای برای رشد سیاستهای خرده بورژوازی خود یعنی سیاست سازش طبقاتی در جنبش انقلابی خلق گردیابد.

ما قبلاً نوشتیم: در مختلف و بیروزیات گوناگون این سیاست سازش طبقاتی اقلیت - و حتی بیش از آن

بقیه در صفحه ۱۶

در صفحات دیگر بفرمایید:

- « درباره، وظایف تبلیغی مادر برخوردار به جهت گیریهای اخیر رژیم صفحه ۲۶ »
- « سیاست ضد انقلابی کوچک اخباری بورش به حقوق اولیه مردم کردستان صفحه ۲۸ »
- « بزرگداشتی از رفیق فواد صفحه ۳۷ »

اعلامیه حقوق پایه ای

مردم و خدمتگش دو کردستان

و بخشهایی از

مصاحبه رفیق ابراهیم علیزاده با

صدای انقلاب ایران در این رابطه

صفحه ۸

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

بگوید. اما واقعیت‌های عینی و رویدادهای روزمره حتی به متعصب‌ترین و خشک‌مغزترین سران جمهوری اسلامی هم‌انده اند که حضور آنان در کردستان و گسترش این حضور، نه تنها جنبش انقلابی کردستان را به شکست نکشاند و غلق رزم‌نده* کودتا به تمکین و انداخته، بلکه دامنه و عمق نفرت و انزجار مردم کردستان را از جمهوری اسلامی بیشتر نموده است. جمهوری اسلامی در کردستان بر قله آتشفشان خشم و نفرت مردم نشسته است.

سیاست تسلیح اجباری را نگاه کنید: بیش از دو سال است که رژیم به پیاده کردن این طرح مشغول است. اما آنچه که اساساً سببش شده مقاومت و مبارزه* توده‌های مردم علیه این سیاست و خود جمهوری اسلامی است.

صحنه‌ای که اکثر اکرار میشد بدین گونه بود: پس از طرح این مسئله از جانب رژیم، اعتراض و مقاومت مردم - گاه محدود و گاه گسترده - شروع میشد. " اوج پیروزی" رژیم در بعضی از روستاها این بود که اقلیتی از اهالی را با زور و آزار و تهدید فراوان مسلح نماید؛ اما این خرد نه پایان مقاومت و مبارزه* مردم، بلکه آغازی بود برای مبارزه* بزرگ مسلح شدگان علیه رژیم، که معمولاً نتیجه* این مبارزات با پیروزی مردم و تحویل سلاح‌هایشان به رژیم منتهی میشده است: گاه اتفاق می‌افتاد که مبارزه* بزرگ مسلح شدگان علیه مزدوران رژیم، چنان حدت پیدا میکرد که مزدوران ناچاراً خود بزرگ مسلح شدگان را خلع سلاح میکردند.

اکنون اکثریت بزرگ مسلح شدگان توانسته‌اند با مبارزات خود اسلحه‌های تحمیلی را به ما حیان-شان "پیشکش" کنند.

سرنوشت سیاست سربازگیری اجباری جمهوری اسلامی در کردستان نرسیده* گویایی از بی‌بنداری مردم است بویژه که رژیم بدینال اشغال کردستان آن را مطرح کرد. رژیم دربار را سال چندین

ستاد سربازگیری در شهرهای کردستان دایر کرد و به اسم نویسی جوانان برای فرستادنشان به پادگان‌ها پرداخت. این سیاست از همان روز نخست با مقاومت مدی مردم روبرو گشت. مثلاً در شهر سردشت از ۱۲۰۰ نفری که برای اعزام به سربازی نام نویسی شده بودند رژیم توانست تنها ۱۳ نفر آنان را به پادگان‌ها بفرستد که بعداً همه‌ای از همین ۱۳ نفر نیز با فرار گذاشتند. این سیاست در شمال کردستان، در جنوب و در مناطق مرکزی و مرزی، همچنان با مقاومت مردم مواجه شد.

سیاست کوچ اجباری مردم نواحی مرز نشین " آلان و سوسیتی" سردشت که اخیراً از جانب رژیم مطرح شده و هم اکنون در جریان است، بلافاصله با مقاومت مردم روبرو گشت. رژیم با اولین تکان (حتی سازمان یافته) مردم این مناطق، با اولین اعتراضات مردم، ناچار شد دست به عا و با احتیاط کامل سیاستش را مطرح کند.

مردم روستاها و شهرهای کردستان اکنون هر روزه با اشکال متنوع مظاهراستیداد و خفقان حکومت مذهبی جمهوری اسلامی روبرو رویتند: علیه دستگیری و خانه‌گردی، علیه تنگناها و محدودیت‌های طاقت‌فرسایی که مزدوران بر کار و زندگی زحمتکشان تحمیل میکنند، علیه تبعید، علیه توپ‌باران و خمپاره‌باران مناطق مسکونی و مزارع، علیه نگهداری دادن اجباری، علیه اخاذی مزدوران، علیه اجاره* اجباری بر زمینهای مساحه شده توسط زحمتکشان، علیه استقرار مقر نیروهای رژیم در روستاها، علیه تخریب خانه‌های مسکونی زحمتکشان شهری، و علیه ده‌ها اجباری دیگر مبارزه میشود.

لازم است این نکته* مهم یادآوری شود که مردم کردستان در همان حال که در برابر سیاستهای جمهوری اسلامی ایستادگی و مقاومت نموده‌اند، جنبش انقلابی و مسلحانه کنونی را مورد پشتیبانی بیدریغ قرار داده‌اند، بطوریکه اگر این پشتیبانی صورت نمی‌گرفت، جنبش انقلابی و مسلحانه کنونی:

رژیم را برنمیذاریم"، " به رژیم اجازه زمین نمیدهیم"، " اجازه نمیدهیم رژیم ما را کوچ دهد"، " اجازه نمیدهیم رژیم ما را تبعید کند"، " اجازه نمیدهیم خانه های پیمان را ویران کنند"، " اجازه نمیدهیم رژیم مزارع و مساکنمان را توپ باران و بمباران بارن کند" ... اینها هستند پرچم و شعار مبارزات فوق .

این مبارزات در مقابل تعرضات و دست - درازبهای جمهوری اسلامی دفاع میکند و به هر آنچه که متعلق به جمهوری اسلامی است بآید، تمسخر، نفرت، انزجار و طرد کردن مینگرد (و این لازم و ضروری است)، اما در همین جا متوقف میشود و "اری" خود، شعار تعرضی خود، و مطالبات و خواستهای دمکراتیک و انقلابی را - بعنوان آلترنا تیا انقلابی در برابر سیاستها، قوانین و ارگانهای ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم - مطرح نمیمازد.

روشنتر صحبت کنیم: برای آزاد شدن فلان شخصی دستگیر شده مبارزه میشود ولی برپیشانی ایس مبارزه خواست "آزادی زندانیان سیاسی" نقش نمیبندد، علیه اجاعات شورای اسلامی مبارزه میشود ولی برپیشانی این مبارزه شعار " ما شورای واقعی خود را برپا میداریم" نقش نمیبندد، علیه تزیقات ناسی از کوبین بندی اوراق مبارزه میشود اما خواست " توزیع دمکراتیک کالاها توسط نمایندگان مردم" مطرح نمیشود، علیه فشار مردوران رژیم برای شرکت اجباری مردم در مراسم مذهبی (مثلا نماز جمعه)، مبارزه میشود ولی خواست آزادی اعتقادات و هدایی مذهب از دولت مطرح نمیشود، علیه توپ باران و بمباران باران، علیه اختناق و توحش لحام گسیخته رژیم مبارزه میشود اما شعار "خروج بدون قید و شرط اشغالگران از کردستان" برپیشانی این مبارزات نقش نمیبندد ...

محدودیت های شعارها و اهداف مبارزات کمونی

نه تنها ۶ سال، بلکه حتی ۶ ماه هم نمی توانست در این سطح گسترده و تنوعی دوام بیاورد .

اما این مبارزات علیرغم فداکاریها و ازجان گذشتگی های توده مردم زحمتکش، از محدودیتها و کم و کاستی های ویژه ای برخوردارند . برای ارتقاء این مبارزات به سطح بالاتر، باید این محدودیت ها شناخته شوند و در هم شکسته شوند .

قدم ما در این نوشته، نشان دادن این محدودیتها، راههای پیشروی و ارتقاء مبارزات توده ای به سطحی بالاتر، متشکل و هدفمند و همچنین نشان دادن وظایف فعالین حزبی در رابطه با رهبری و هدایت مبارزات توده ای است .

مبارزات انقلابی توده ها در شرایط کنونی از کدام ضعف ها رنج میبرد؟

دفاعی بودن، پراکندگی و سازمان نیافتگی، و خودبستگی بودن، ضعفهای مبارزات کمونیستی توده ها هستند . حال به تشریح هر کدام از ضعفهای فوق میپردازیم :

الف) این مبارزات به لحاظ شعارها و اهداف خود، ماهیتا دفاعی هستند . مبارزات فعلی آنجا پامیگیرند و گسترش می یابند که جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه های حاکمیت خود بکوشد، سیاست های ضدانقلابی جدیدی را مطرح کند و با دخالت در زندگی مردم، مرصه را بر آنان تنگ نماید . این مبارزات واکنشهایی هستند در مقابل تعدیات و فشارهای جمهوری اسلامی، نمونه هایی که قبلا از آن سخن گفتیم حد کافی گویا هستند .

مردم از طریق این اعتراضات، مقاومتها و مبارزه ها، به جمهوری اسلامی و سیاستهایش عملا "نه" میگویند، این "نه" گفتن ها، گرچه هر بار به قیمت فداکاریها و مبارزات سرسختانه، دستگیری و زندان و شکنجه مردم تمام میشود، حتی در عالیترین شکل خود دفاعی هستند : " سر با جمهوری اسلامی نمیشویم"، " ایلحه

حاکم نبودن سیاستهای تعرضی و آکثیو کمونیستی و همچنین رهبری پرولتری بر مبارزات سیاسی توده‌هاست. با حاکم نمودن این سیاستها و اتخاذ این شیوه رهبری است که میتوان مبارزات توده‌ها را بطوربرد. سیاستها و تاکتیک‌های کمونیستی، سیاستها و تاکتیکهای تعرضی و آکثیو هستند، در وضع موجود تغییر ادیگال بوجود میآوردند، بر هر گوشه و زاویه وضع موجود می‌تازند، آن را نفی نموده و بجای آن آلترنا تیبوا انقلابی و تحول بخش خود را مطرح می‌سازند. این سیاستها و تاکتیکها که ناظر بر منافع طبقه کارگر هستند عمیقاً با منافع توده‌های زحمتکش و ستمکش جامعه گره خورده‌اند و میتوانند وسیع‌ترین توده‌های تحت ستم مردم را حول خود بسیج نمایند.

جنبش انقلابی و مسلحانه خلق کرد، جنبشی است برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان، جنبشی است برای اعمال حاکمیت مستقیم و انقلابی مردم؛ این حقیقتی است مسلم و برنامهم کومه‌له برای خود - مختاری کردستان و رهس این حاکمیت انقلابی و مطالبات مردم زحمتکش را روشن بیان نموده است. این یک سیاست تعرضی، انقلابی و تحول بخش است، اما اشتباه بزرگی است اگر تصور شود که مردم کردستان هنگامی میتوانند این سیاست تعرضی و این مطالبات را مطرح سازند و برای اتخاذ آن بکوشند که آخرین نفر نیروهای اشغالگر از کردستان بیرون رانده شده باشد. پاراگراف انتهایی برنامهم کومه‌له برای خود مختاری کردستان به صراحت اعلام میدارد که: "سارمان کردستان حرب کمونیست ایران (کومه‌له) ارهم اکنون و در دل جنگ انقلابی با اتکا به نیروی توده‌ها و تشکل‌های توده‌ای و سویژه شوراها در جهت تحقق حقوق فوق و برقراری دمکراسی انقلابی و حاکمیت توده‌ای در کردستان مبارزه میکند. در عین حال با تلاش در سیدار کردن و یکاگرگنسن و رهبری کردن نیروی انکار و خلافت توده‌های

توده‌ها بدون تردید سهم مهمی در بحرکت درنیا بردن همه پتانسیل عظیم نهفته توده‌ها در جنبش گنونی دارد، و از میان برداشتن این محدودیتها، بدون شک درآزاداختن این انرژی وسیع و بحرکت انداختن آن تاثیر بسزای خواهد داشت.

ب) این مبارزات پراکنده و سا زمان نیافته هستند: مبارزات گنونی توده‌ها در عین گستردگی آن، پراکنده و سا زمان نیافته هستند. گاه اتفاق می‌افتد همزمان در نقاط متعددی از کردستان - علیه بهمان سیاست رژیم مبارزه میشود، بدون اینکه بهم گره خورده باشند و همدیگر را تقویت و نیرومند سازند، جویبارها بهم نمی‌پیوندند.

ج) این مبارزات عمدتاً خود بخودی هستند: رژیم تعرض میکند و مردم واکنش نشان میدهند. انقلابی‌ترین و مصمم‌ترین عناصر توده‌ها؛ کمتر در رأس مبارزات قرار میگیرند. در موارد متعددی مناسرتزلزل، نا استوار و حتی گاه فرصت طلب و مرتجع خود را در رأس این مبارزات قرار میدهند و بنام مردم سخن میگویند. در جریان مبارزات مردم مناطق آلان و سویسنی سردشت علیه طرح کوچ اجباری، عده‌ای فرصت طلب و مرتجع بنام مردم آلان سخن گفتند و مریضه نوشتند و در برابر رژیم نه مجزولابه نشستند. وظیفهم اینان کاشتن تخم تردید، تزلزل و دودلی در دل‌های مردم و کاستن از برندگی مبارزات مردم زحمتکش است.

ضعفهای سه گانه فوق - که ما برای تشریح مسئله عمداً آن را تفکیک کردیم - بیروندی ارگانیک با هم دارند و همگی اجزای واحدی را تشکیل میدهند؛ مبارزات خود بخودی نمیتواند دفاعی و پراکنده نباشد و بهمین ترتیب نمیتواند از طبایع و استحکام کافی برخوردار باشد.

چه باید کرد؟

همگی این ضعفها، جلوه‌های عینی و مادی

محروم کردستان درحیث تحقیق هر مقدار از اقدامات اقتصادی، رفاهی و فرهنگی که مقدر با شدگام بر میدارد" (تأکیدها از ماست)

همچنین قطعنامه "کنگره" چهارم کومه له در مورد اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما؛ همراه با وظایف دیگر وظیفه "۲- رهبری کردن و منتهک کردن مبارزه و اعتراضات و گسترش مقاومت متحدانه توده مردم در شهر و ده بر علیه استمگرمی ملی و به دور خواست های آن ها و در جهت آزادی و بهبود وضع زندگی و رفاه زحمتکشان" را در دستور کار تشکیلات قرار داده است.

از نظرها مبارزات انقلابی توده ها با بیاد صفا به ابطال سیاستهای رژیم محدود شود، بلکه باید بر پرچم این مبارزات مطالبات سیاسی، خواست های دیمکراتیک، خواستهای رفاهی و... حسک شود و با آفراتشن این پرچم به جنگ سیاستها و توانیس و نهادهای ارتجاعی رژیم رفت. سیاستها و شعارهای پرولتاریای آگاه کردستان باید بر مبارزات جاری و روزمره مردم پروبال بگشاید و بر آن ناظر باشد، سیاستها و شعارهایی که با منافع وسیعترین توده محروم پیوند خورده است مبارزات مردم باید حول شعارهای اساسی چون: خروج بدون قید و شرط سرورهای انقلابگر جمهوری اسلامی از کردستان، آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، اتحاد شوراهای انقلابی مردم، نان (به مفهوم عام کلمه، نه مفهوم رفاه زحمتکشان)، و... سازمان داده شود.

اگر بخواهیم مشخص تر سخن بگوئیم میتوان مسائل فوق را چنین مطرح کرد:

- مردم باید نه فقط برای انحلال شوراهای اسلامی بگویند بلکه باید در این عرصه مبارزه خود را تا مبارزه برای ایحاد شوراهای واقعی ارتقا دهند.

- مردم نه فقط علیه توپ باران و خمپاره - باران، نه فقط علیه خانه گردی و دستگیری، نه

فقط علیه دخالتهای مستعرا فئالگران در زندگی مردم، نه فقط علیه تسلیح اجباری، بلکه باید علیه حضور فئالگران در کردستان و برای خروج و بیرون راندن آنها نیز مبارزه کنند.

- مردم نه فقط علیه دستگیری فرزندان شان، بلکه باید برای آزادی همه زندانیان سیاسی و آزادی فعالیت سیاسی نیز مبارزه کنند.

- مردم زحمتکش نه فقط علیه تخریب خانه - های شان توسط مزدوران جمهوری اسلامی، بلکه باید برای تأمین مسکن مناسب بشیوه ای انقلابی نیز مبارزه کنند.

- کارگران نه فقط علیه زورگوییها و احکافات مزدوران رژیم و سرمایه داران، بلکه باید حول خواستهای ۴۰ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزد به تناسب تورم نیز مبارزه کنند.

- نه فقط علیه حجاب اجباری و مقنعه، بلکه برای برابری حقوق زنان و مردان مبارزه شود و ...

بند سیدرنامه "کومه له برای خود مختاری کردستان، شعارهای مبارزاتی و تعرضی هستند که باید بر پیشانی مبارزات توده ها نقش بسد.

سیاست های تعرضی فوق، حیثیت سیاسی توده ها را بطور قابل ملاحظه ای ارتقا داده، بتانسسل نهفته در مردم زحمتکش را بطور قابل ملاحظه ای آزاد نموده و هر چه بیشتر آنان را معیدان مبارزه عملی خواهد کنا بدو مبارزات آنان را ا رکیبیتی نویس برخوردار خواهد ساخت.

مبارزه تحت این شعارهای تعرضی، مبارزه حول مطالبات مندرج در بر نامه "کومه له برای خود مختاری کردستان، مبارزه حول اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش کردستان - که همگی با منافع توده های زحمتکش محسن است - سطح توقعات توده ها را بالا خواهد برد، هر چه بیشتر آنان را به حقوق خود آشنا خواهد ساخت و راهها و مظاهر و کل و میوه زندگی سوبین راه آنان نشان خواهد داد و نسبت به آینده جنبش و پیروزی آن

امیدوارترشان خواهد ساخت .

وانگهی - واین خیلی مهم است - مبارزه حول این خواستهایب خواهدتندکه توده های مردم رجمتکش ، ارهم اکتون با قوانین ، سنن ، نهادها وارگانهای انقلابی خود - همچون یک دولت و حاکمیت بالقوه - درعرصه ' مبارزه ' عملی ظاهر شوندوبرای تحقق آنها بکوشند . دریک کلام آنها خواهندتوانست ارهم اکتون آلترنا تئو انقلابی خود - آلترنا تئو انقلابی کارگران و رجمتکشان - راهروزحدادی ومهیبا کنندودراین رهگذر ، بهر اندازه که توانستندحتی درحضورمهوری اسلامی ، به نیروی مشکل خوداین معالجات را تحقق بخشند ودرهرمطله وروستایی که ازو خوداشغالگران پاک میشود ، آلترنا تئو آماده ومهیبا ی خودرا - حاکمیت انقلابی خودرا بکجا وبلایا مله به کرسی بنشانند . نکته ' مهم دیگر اینست که برجم خواستها ومطالبات فوق ، نه فقط درمقابل جمهورمی اسلامی ، بلکه در مقابل هرکس با هر نیرویی که به حقوق مردم تجاوز کندبا پدیرا فرشته شود .

درچنین صورتی است که مبارزات توده های رجمتکش ومحروم نیرومندخواهدبود وآنان با فراغ خاطر ، بااطمینان ، وبدون دلواپسی و نگرانی وبادیدى روشن ، فداکارانه ترازهرزمان دیگری مبارزه خویش ادا نمخواهندداد درحمیس صورتی است که همه ' مردم محروم رستمکش ، به گرد دمکراسی انقلابی حزب کمونیست گرد آمده و پرولتاریای آگاه کردستان درراس مردمان محروم ، با شتابی بیشتر ، به پیش خواهدتاخت .

فعالین حزبی درکردستان مؤتف اند ، بطور مستمرروزمره درمقام پاسخگویی به معضلات تنگناهای زندگی ومبارزه مردم رجمتکش ، آسان رابرایان برنامہ ، سیاست وشعارهای کومه له ، آموزش داده ، بیدارنمائند وآنان را حمان با این مطالبات وخواستها آشنا سازندکه خود - عملا - آنها رامنرج کنند ، برای تحقق شان مبارزه کنند وبادستان خودبرجم دمکراسی انقلابی را برانرازند .

زندگی واقعی مردم رجمتکش چنانست که با توضیح صبورانه ، دلسوزانه و روشن این مطالبات و خواستها وشعارهای متکی برآنها ، می توان وسیعترین توده های تحت ستم راه زیراین برجم گرد آورد .

مبارزه برای تحقق این خواستها ، مبارزه برای تحقق سیاستهای کمونیستی وتعرضی راتنها نیروی متعرض ، نیروی پیشتاز و مصمم یعنی پرولتاریای آگاه کردستان میتواند به پیش ببرد . این مبارزه ، به استحکام وولایت رهبری نیاز دارد ، مسلما کارگران و رجمتکشان کردستان ستون فقرات چنین مبارزه ای هستند و هدایت گران پیشروان استوارو آگاه آنها . هرگونه تعلل دراین حقیقت تاریخی وانکارنا پذیرسب خواهدشد که مبارزه ' توده های مردم ، نه حول سیاستهای فعال کمونیستی ، بلکه حول خواستهای دفاعی صورت گیرد . با این توضیح می پردازیم به این مسئله که چگونه مبارزات توده ها را باید عملا سازمان داد طبقه ' اصلی درپیشبرد مبارزات توده ای رهبری آنست . بنا براین ما هم بحث را ارهمان سومی گیریم .

فعالین حزبی و بویژه دسته های سازمانده (ک.ب.ها) ، باید - از میان رجمتکشان - رهبران عملی مبارزات را شناسند . رهبران عملی ، مبارزین مورداعتمادواطمینان توده های رجمتکش بوده ودر میان آنان متنفذوبا اتورسته هستند . فعالین حزبی باید بکوشند پیوسته این افراد را مطابق رهنمودهای سازمانی آموزش داده وآنان را هرچه بیشتربا سیاستهای کومه له آشنا نمایند . آنان مموسابندوسیله ' تلفیقی از اشکال گوناگون ارتشاضی ، تماس حموری ، مکانسه و... ارتشاض خود را با رهبران عملی درحالتی مستمرو دائمی نگاه دارند .

لازم است همین جاروی این نکته تا کبدورریم که ممکنست درحالی ، افراد مترلزل ، نا استوار وفرصت طلب درراس مبارزات توده ها قرارگیرند

از توان مبارزاتی سمراتب بیشتری برخوردار خواهد بود.

کمیتهٔ تشکیلاتی، از طریق تشکیلات تحت ادارهٔ خود، میتواند رهبران عملی مبارزات را در حوزهٔ فعالیت خود (بخش، شهر، ناحیه، منطقه) سه برپا کردن جنبش شورایی در آن حوزهٔ معین فعالیت و حول خواسته‌های مشخص فراخواند. از طریق چنین رهبرانی کوشش میشود که حول خواسته‌های اساسی در روستاها و یا در محله‌های شهر معین، شوراها و واقعی بوجود آید نمایندگان این شوراها و جداگانه، متشکل شده و شورای نمایندگان آن حوزهٔ معین را بوجود می‌آورند. در چنین حالتی، جنبش توده‌های متشکل شده که خواسته‌های معین، را دیکال و تعرضی دارند شکل خواهد گرفت و همچون اهرم نیرومندی در جنبش انقلابی خلق کرد عمل خواهد کرد. چنین جنبشی نه تنها در مقابل سیاستها، قوانین و نهادهای رژیم با قدرت عمل خواهد کرد بلکه برای تحقق مطالبات خود نیز با نیرومندی هر چه بیشتری تلاش خواهد کرد.

در فروردین ماه امسال، رفقای مادرعی از نواحی - هر چند خام - با رقه‌های امیدبخشی از این حرکت نوین را نشان دادند. در ۱۵ فروردین در ناحیه سردشت به دعوت و فراخوان رفقای نمایندگان مردم روستاهای "شموله"، "باریکاوی"، "شندری"، "قامیشه"، "هه‌داوی"، "مه‌رانه"، "لیلانی"، "ماوه‌لو"، "هه‌مران"، "سارنگی"، "سنا ویلی حاجی منه" و "سویروی" گرد هم آیی وسیعی تشکیل دادند و در مورد مسایل مربوط به زندگی و مبارزهٔ خود به بحث پرداختند. در ۲۴ فروردین ماه به دعوت و فراخوان رفقای ما - باز در ناحیه سردشت - نمایندگان جدید روستا در مورد جنگی مقاله سیاست سربرگیری رژیم، انحلال شوراها و اسلامی و تشکیل مجمع عمومی (شورای واقعی)، به بحث و تبادل نظر پرداختند. همچنین در شمال کردستان توده‌های مبارز بقیه در صفحه ۱۵

و از میان خود کارگران و زحمتکشان کسی سکان مبارزه را بدست نگیرد. اینجا دیگر وظیفهٔ رفقای حزبی است که با تمام توان خود بکوشند عوارض مخرب حضور جنبش "رهبران" را در راس مبارزه - با مثالهای روشن و عینی - برای توده‌های زحمتکش توضیح داده، آنان را بر ضرورت رهبری این مبارزات توسط مضم‌ترین و استوارترین افراد انقلابی آگاه نمایند و بکوشند همین افراد در صف مقدم حبه قرار گیرند و به سکاندار و رهبر مبارزات تبدیل شوند.

اگر هر واحد تشکیلاتی امور فوق را بدقت و با پیگیری انجام دهد کومه له امکان خواهد یافت با مجموعهٔ وسیعی از رهبران عملی مبارزات - که خود وسیع‌ترین پیوند را با توده‌های مردم داشته، بین آنها صاحب نفوذ بوده و مورد اعتماد و اطمینان آنها هستند - ارتباط دائمی داشته باشد و از این طریق مبارزات توده‌ها را در نواحی و مناطق مختلف کردستان، متحد و هماهنگ نماید.

گام بعدی در رهبری مبارزات توده‌ها؛ متحد کردن، هم‌جهت کردن و هماهنگ کردن خود توده‌ها است. مناسبترین ظرف این اتحاد، شوراها و واقعی مردم است، شوراها و واقعی که امروزه مبارزاتی و وفردا ابزار کمیت انقلابی توده‌ها است.

فعالین حزبی - با اتکا به رهبران عملی مبارزات - میکوشند شوراها و واقعی را - حول خواسته‌های اساسی که قبلاً گفته شد - سازمان دهند و از این طریق توده‌ها را به مبارزه‌ای متحدانه فراخوانند.

هر چه دامنهٔ این شوراها گسترده‌تر باشد، توده‌های هر چه بیشتری متحدانه به مبارزه خواهند پرداخت و فعالین ما لازم است در این جهت حرکت کنند. شوراها و واقعی یک روستا یا یک محله شهر مملما توان مبارزاتی محدود و شکننده‌ای خواهد داشت، در صورتی که مجموعهٔ شوراها و واقعی یک منطقه - که توسط نمایندگان خود بهم می‌پیوندند -

اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان

و بخشهایی از مصاحبه رفیق ابراهیم علیزاده
با صدای انقلاب ایران در این رابطه

اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان در شهریورماه ۰۶۳ در ۱۴ ماده همراه با یک مقدمه و یک موخره از جانب سازمان کردستان حزب کمونیست ایران انتشار یافت.

چا همه سرما به داری که سا به استخما رو چها ول خود را به سراسر جهان امروز گسترده است، بر بی حقوقی و محرومیت میلیونها کارگر و زحمتکش متکی است که به نیروی با زوان خود ثروت جهان امروز را میسازند.

اقلیتی ناچیز اکثریت عظیم مردم جهان را به بردگی، فقر و محرومیت کشانیده اند.

این اکثریت محروم، این مفدها میلیونی کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان باید چون تنی واحد برای کسب حقوق مسلم خویش، برای استقرار جامعه نوین خویش، علیه این اقلیت سرما به دار و تمام نظام استعمار و استثمار او به پا خیزند.

ما کمونیستها پرچمداران انقلاب جهانی کارگران هستیم. انقلابی که با درهم کوبیدن ماکمیت طبقات استخما رگر، با برقراری حکومت سرحق کارگران و با قراردادن و مایل تولید اجتماعی در مالکیت جمعی آنان که کار میکنند، برابری واقعی و کامل انسانها را در یک جامعه کمونیستی و عاری از استثمار و استخما تضمین خواهد کرد.

امروز، در شرایطی که جمهوری اسلامی میکوشد تا به زور اسلحه قوانین ارتجاعی خود را در خدمت سرما به و سرما به داری بر تنوده ها در کردستان تحمیل کند در شرایطی که دیگر نیروهای مدافع سرما به داری در ایران میکوشند تا با حمایت لفظی از یک خود مختاری نیم بند، خواستهای اساسی جنبش انقلابی در کردستان را مسکوت گذارند؛

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - بعنوان نیروی پیشرو کارگران انقلابی در کردستان رهسواصلی حقوق مسلم و انکارنا پذیر کارگران و زحمتکشان کردستان را، که مبارزه مسلحانه انقلابی کنونی را من تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید و مردم محروم و زحمتکش کردستان را به سرافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استخما و استثمار و استثمار ملی، فراخواند.



اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان

- ۱ - شرکت مستقیم و آزادانه در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه و نحوه اداره آن حق مسلم هر انسان است . هر فرد بالای ۱۶ سال ، اعم از زن و مرد میتواند در انتخابات هر ارگان نمایندگی شرکت کند و انتخاب نماید . هر فرد بالای ۱۸ سال اعم از زن و مرد میتواند برای هر ارگان نمایندگی انتخاب شود . اداره کردستان در کلیه سطوح از بالا تا پایین باید توسط ارگانهای منتخب مردم و با شرکت مستقیم خود آنان انجام شود .
- ۲ - هر کس در اعتقادات خود و در بیان و تبلیغ آنها آزاد است ، هیچ قدرتی نمیتواند آزادی بیان ، عقیده و مرام سیاسی را از زکا رگران و زحمتکشان سلب نماید . تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است .
- ۳ - حق تعیین سرنوشت حق سلب ناپذیر هر ملت است . مردم کردستان آزادند تا به هر نوع که خود اراده کنند ، سرنوشت سیاسی کردستان ، شکل و ساختمان حاکمیت سیاسی و روابط حقوقی و اداری را تعیین کنند . اعمال زور از جانب هر دولت و نیروی سیاسی برای جلوگیری از اعمال اراده آزادانه مردم کردستان در تعیین سرنوشت خویش مردود و در مقابل مبارزه حق طلبانه ، یک ملت محکوم به شکست است . قیام و مبارزه مللخانه در برابر چنین اقداماتی حق بی‌چون و چرای مردم کردستان و عکس‌العملی عادلانه و برحق است .
- ۴ - هر فرد آزاد است هر مذهبی را اختیار کند یا هیچگونه مذهبی نداشته باشد . هرگونه تبعیض در هر زمینه بر اساس اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی افراد مردود است . برای تضمین آزادی اعتقاد برای کلیه افراد ، مذهب باید از دولت و آموزش رسمی جدا گردد و امر خصوصی مردم اعلام شود .
- ۵ - تشکیل اجتماعات ، برپایی تظاهرات و استفاده از مجامع ، مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای بیان آزادانه عقاید حق سلب ناپذیر توده‌های مردم محروم است . آزادی کامل تشکیل یا پیوستن به هرگونه تشکل سیاسی ، صنفی و توده‌ای باید تضمین و مراعات گردد .
- ۶ - هر فرد زحمتکش ، اعم از شاغل و بیکار ، و هر انسان که برای تأمین معیشت خود آماده به کار است ، باید از زندگی آسوده و تأمین اجتماعی کامل بهره‌مند باشد . رفاه و تأمین اجتماعی کامل ، حق مسلم تمام آن کسانی نیز هست که به دلایل مختلف ، اعم از کهنولت ، بیماری ، نقص عضو و غیره از توانایی کار کردن محروم اند . هر کس در انتخاب شغل آزاد است . سرخورداری از اوقات فراغت استراحت ، تحدید قوا ، و فرصت پرداختن به رشد فرهنگی و معنوی خویش حق مسلم مردم زحمتکش است .
- ۷ - زنان در کلیه شئون زندگی اجتماعی ، در تولید ، در خانواده ، و در کلیه عرصه‌های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، از حقوق برابر با مردان برخوردار هستند . بر دگی زنان توسط طبقات حاکم ، باید خاتمه یابد . زن و مرد در ازای کار برابر باید مزد برابر دریافت دارند .

- ۸ - هر فرد بالای هجده سال، اعم از زن و مرد، در تشکیل خانواده به میل خود آزاد است. هیچکس را نمیتوان برخلاف میل او و اادار به ازدواج نمود. ازدواج با ثبت در دفاتر رسمی از نظرها معسرسمیت شناخته میشود. افراد در برقرار کردن یا نکردن مراسم ویژه مذهبی برای ازدواج مختارند.
- زن و مرد در کلیه امور مربوط به خانواده، در امر طلاق و تکفل فرزندان و در امر وراثت از حقوق کاملاً یکسان برخوردارند.
- ۹ - شخص، محل زندگی و مکاتبات و مراسلات او از هرگونه تعرض ممنوع است. حیثیت شخصی هر فرد از توهین، تهمت و بی حرمتی ممنوع است. هرکس در سفر و در انتخاب محل زندگی و اقامت خود، کاملاً آزاد است.
- تبعید افراد و هرگونه نقل مکان اجباری آنها، اعم از فردی و گروهی، بعنوان یک عمل ضدانسانی و ناقض حقوق اولیه بشری، محکوم و ممنوع است.
- ۱۰ - سلامتی جسمی مردم باید تضمین گردد. بهداشت و درمان رایگان و مناسب باید برای همه مردم از شهرها تا دورافتاده ترین روستاها تامین گردد.
- کلیه افراد جامعه حق دارند از مسکن مناسب برخوردار گردند.
- ۱۱ - آموزش و پرورش رایگان و امکان برابر برای سرخورداری از دستاوردهای علمی، فرهنگی و فنی بشری باید برای همه افراد تامین گردد. بیسوادی، این میراث حکومت سرمایه و استثمار سرمایه داری، باید ریشه کن شود.
- ۱۲ - داشتن و حمل اسلحه حق و رمزحتکشی است که در کردستان در مبارزه برای آزادی و یا برای حفظ امنیت خود، خانواده خود و دیگرهم سرروشتان خود مسلح شده است. هیچکس حق خلع سلاح کارگران و زعمتکشان مبارز کردستان را ندارد. اعزام اجباری افراد به حبسهای جنگ ممنوع است. هرگونه سربرازگیری جمهوری اسلامی در کردستان ممنوع است.
- ۱۳ - قوانین مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نباید در کردستان به اجرا درآید. هرگونه دادگاه سری و مخفی مردود است.
- کلیه قضاات باید در تمام سطوح توسط خود مردم انتخاب شوند. هر محاکمه ای باید علنی باشد. در هر محاکمه ای اهل برسرراحت متهم است. هیچگونه تنبیه و آزار بدنی نباید به عنوان مجازات و چه در جریان هریک از مراحل مختلف بازداشت، بازپرسی، دادرسی، محاکمه و دوره زندان بر متهمین و محرمین اعمال شود. هرگونه بازداشت افراد توسط جمهوری اسلامی ممنوع است و در هر حال حتی مراجع قضائی انتخابی مردم حق ندارند هیچکس را بدون اعلام جرم بیش از بیست و چهار ساعت در بازداشت نگاه دارند.
- ۱۴ - همه قوانین و نهادهایی که مظهر و یا حافظ ستم ملی هستند، باید ملغی و منحل گردند. هرگونه تبعیض اقتصادی و سیاسی و فرهنگی علیه مردم کردستان مردود و محکوم است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

مردم کردستان در بهره‌مند شدن از فرهنگ ملی خود، استفاده از زبان مادری خود در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و آموزش زبان و فرهنگ خود در مدارس کاملاً آزادند.



کارگران انقلابی کردستان!

عملی کردن این اهداف تنها گامی در جهت نابودی کامل نظام پوسیده سرمایه‌داری در ایران و استقرار حکومت کارگری است. در حزب کمونیست خود متشکل شوید و توده‌های وسیع مردم محروم کردستان را برای عملی کردن این خواسته‌های برحق و انکارناپذیر در صف مبارزه انقلابی خود و تحت پرچم حزب خود گرد آورید.

مردم محروم و زحمتکش کردستان!

اینها حقوق مسلم، ابتدائی و انکارناپذیر شماست. اینها حقوقی است که کارگران انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست ایران در نخستین روز پیروزی تامین و تضمین خواهند نمود، و کومه له از هم اکنون با تمام قوای برای تبدیل بندیند آن به سنت و قانون جاری در کردستان انقلابی، به‌دیرری متشکل و مسلح خود شما، مبارزه میکند. حقوق مسلم خود را بشناسید و در برابر هر تحا و زارتحاج و ضدانقلاب به آن، بدفاع از آن برخیزید. در برابر دشمن، در برابر سرکوبگر، در فرهنگ و لباسی، پرچم بیانیه حقوق پایه‌ای زحمتکشان در کردستان را سرفرازید.

ما سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) کلیه احزاب سیاسی انقلابی، و کلیه مردم کردستان ایران و جهان را به حمایت جدی از این بیانیه دعوت میکند.

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - شهریور ۱۳۶۳

در تاریخ ۱۱ مهرماه، رفیق ابراهیم علیزاده در رابطه با انتشار "اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" مباحثه‌ای با بخش کردی رادیومدای انقلاب ایران انجام داد. در اینجا ترجمه بخش‌هایی از این مباحثه را ملاحظه میکنید:

اعلامیه‌ای چه بود؟

جواب: بله، یکی از مباحثات مهم کنگره ۴ کومه له، سازماندهی حاکمیت انقلابی مردم بود. ما حاصل این بحثها در قطعنامه‌ای منعکس کردید،

سوال: اخیراً بیانیه "حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" بنا بر تصمیم کنگره چهارم کومه له منتشر شده است. سوال اول این است که علت تاخیر کنگره بر انتشار چنین

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران

بیکاری هم مزیدبرهمه، اینبارندگی زحمتکشان ایران را در معرض ناامنی دائمی قرار داده است. حداقل آسایش به آرزویی برای مردم تبدیل شده است. در چنین شرایطی ایوبیسونهای بورژوازی از شرکت سراین رژیم و با بهره گرفتن از این اوضاع و احوال دمکراسی و حقوق مردم را حتی در تبلیغات و وعده وعیدها نشان به مناقصه گزیده اند، و میگویند ضدیت خود را با دمکراسی و حقوق مردم زحمتکش زیرلوی مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی پنهان بکنند. با توجه به همه اینها کنگره برای عقیده بود که اعلام این حقوق و تاکید هر چه قاطعانه بر آنها و تبدیل آنها به مطالبات بدون سرو و برگرد و مسلم توده های میلیونی از هم اکنون راه را سر روی معامله گری ها و توطئه های جنین نیروهای بر علیه دمکراسی و آزادهای فردی و اجتماعی و حقوق مردم زحمتکش خواهد بست. باید خواستهای دمکراتیک توده های مردم که با قیام خود و به قیمت جانبا رها و فداکارانه ایهای به شمار بدست آورده بودند، از نوزنده شوند و ارتقا یابند. توده های مردم قیام کننده این بار نه تنها نباید به چیزی کمتر از دست آورد های آن زمان خود رضایت بدهند، بلکه باید آنرا بر مراتب جلوتر برده و توسعه و تکامل دهند. آزادی، احترام به شخصیت و حفظ حرمت انسانی، سرخورداری از حداقل رفاه، حق انکارنا پذیر توده های زحمتکش است. باید آنها را با این حقوق خود آشنا کرد. اینها بخشی از آرزوهای در گلو غنچه شده مردم زحمتکش است که امروز در کردستان انقلابی و از سوی کارگران و زحمتکشان آگاه، بمثابه پرچمدار دمکراسی انقلابی اعلام میشود و فردا با اتکا به نیروی میلیونی توده های محروم و ستمدیده تا مین و تضمین میگردند. با تکیه بر چنین ضرورتیهای بود که کنگره چهارم کومه له انتشار این بیانیه را در دستور کمیته مرکزی قرار داد.

سوال: آیا حقوق مطرح شده در این بیانیه

که بخشهای اصلی آن قبلاً منتشر شده است. در این سند کمیته مرکزی کومه له از جمله موظف گردید که طی بیانیه ای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی زحمتکشان و استثمار رهنوردگان را تنظیم و اعلام نماید. اینک با انتشار "بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان" این مصوبه کنگره چهارم عملی شده است.

این بیانیه، بیان فشرده و سیاسی بابه ای ترین حقوقی است که برای حفظ حرمت و شخصیت انسانی، برای رشد فرهنگی و ممنوی هر فردی و برای برخورداری زحمتکشان از حداقل رفاه و آسایش زندگی انسانی در جامعه ضروری و حیاتی هستند. اینها شمارهایی هستند که امروزه سرپرچم هر مبارزه دمکراتیک و انقلابی در جهان نقش بسته اند و مبارزه برای کسب آنها از جانب توده های زحمتکش و محروم در جهان دست کم به قدمت پیدایش نظام سرمایه داری است. برخورداری از این حقوق اولیه و بدیهی حق مسلم و انکارنا پذیر توده های استثمار شده و ستمدیده است، اما استثمار کنندگان و استثمارگران با تکیه بر دیکتاتوری و سرکوب دولتی، با تکیه بر سنتهای عقب مانده و غرافی، با تحمیق توده ها به انواع مختلف هر روزه این حقوق بدیهی و اولیه را سلب کرده و پایمال میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران در نفی و انکار این حقوق گوی سبقت را از همه مرتجعین و دشمنان مردم زحمتکش در جهان ربوده است. استبداد مذهبی جمهوری اسلامی سرنوشت و زندگی مردم زحمتکش را به موهن ترین شکل به بازیچه گرفته است، با وقاحت بی حد و مرزی شکنجه انسانیها را بنام تعزیر شرعی، رسمی و قانونی کرده است، مخالفین سیاسی خود را، حتی به خاطر عقایدشان از حق حیات محروم میکند. توهین آمیزترین و ضد دمکراتیک ترین قوانین و مقررات را بر زندگی زنان حاکم کرده است، او باش حزب الهی و ماموران دولتی را قانوناً به دخالت در همه گوشه و زوایای زندگی مردم محارم نموده است، جنگ و آوارگی و

فروبی حقوقی را از بین خواهد برد. بنا براین "اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" در انطباق با بخش حداقل برنامه حزب کمونیست است و با کسب این حقوق در واقع بخشی از کل نقشه ما برای پیروزی قطعی، برای رسیدن به سوسیالیسم عملی میشود.

سوال: در رابطه با این بیانیه انجام چه اقداماتی را از سوی مردم ضروری میدانید؟

جواب: زحمتکشان کردستان ما حیوان واقعی این جامعه و همه نعمات و ثروت‌های آن هستند و حقوق دارند از نمره دسترنج خود بهره‌مند بشوند. حق دارند بخواهند که زندگی‌شان هر لحظه و هر ساعت با زیجه مطامع سرمایه‌داران نباشد، حق دارند از آزادی و از یک زندگی مناسب و درخور انمان امروز برخوردار باشند. ما از مردم مبارز کردستان میخواهیم که بیش از پیش این حقوق مسلم و انکارناپذیر خود را بشناسند و علیه نقض و پامال کردن آن از جانب جمهوری اسلامی و هرنیروی دیگری به مبارزه برخیزند.

در شرایطی که سرمایه‌داران و دولت‌های حافظ آنها مداوماً و به شیوه‌های گوناگون همین حقوق بدیهی را نیز بشدت انکار و پامال نموده و مبارزه برای کسب آنها را سرکوب میکنند، بدست آوردن آنها و ضمانت آنها حربه نیروی مبارزه متحد، یک پارچه و سازمان یافته توده‌ها میسر نیست و ما مردم کردستان را برای تامین و دفاع از این حقوق بدیهی خود به مبارزه متشکل حول پرچم کومه‌له و درشوراها و ارگان‌های حاکمیت توده‌ای دعوت میکنیم.

بندهای این بیانیه همگی بیانگر آرزوهای غفنه و فریادهای درگلو خفته توده‌های زحمتکش و ستمدیده است و حقوق مندرج در این بیانیه محتوی جنبش انقلابی خلق کرد را طی ۵ سال گذشته تشکیل میداده است. از اینرو این حقوق باستانی به نخستین بندهای قانون اساسی حکومت خودمختار آینده کردستان تبدیل شوند. و ما از مردم مبارز

تفاوتی با آنچه در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ویا برنامه کومه‌له برای خودمختاری کردستان آمده است دارد؟

جواب: "اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" فرقی با اسناد دیگر برنامه‌های ما که گفتید ندارد. برنامه راه‌دستیابی همین حقوق را برطبق یک نقشه همه‌جانبه و کاملی نشان میدهد. در واقع بندهای این بیانیه، بیان فشرده همان مطالباتی هستند که در بخش حداقل برنامه ما آمده‌اند اما در اینجا به صورت مطالبات برنامه‌ای بلکه بصورت حقوق بدیهی و اولیه، که باید مردم زحمتکش از آن برخوردار گردند، بیان شده‌اند. توضیح یک نکته را در اینجا ضروری میدانم. همانطوریکه گفتیم این بیانیه شامل حقوق اولیه و پایه‌ای هراتسانی است که از سوی زحمتکشان آگاه کردستان و پیشاهنگ کمونیست آنها اعلام میشود، اما از نظر ما منشاء همه بی‌حقوقی‌ها و مصائب دامنگیر جامعه بشری نظام استثمارگرانه و ظالمانه سرمایه‌داری است و راه‌هایی قطعی از آن نیز یک راه بیشتر ندارد و آن هم راه انقلاب سوسیالیستی و برقراری سوسیالیسم است. بنا براین نه تنها تامین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در این بیانیه، بلکه حقوقی بسیار فراتر و گسترده تر از آن در جامعه سوسیالیستی برای توده‌های محروم زحمتکش تضمین خواهد شد و برنامه ماهه‌گامی‌هایی را که به این راه‌هایی قطعی منجر میشوند معین کرده است. کسب این حقوق و آزادیها برای توده‌های زحمتکش لازمه پیروزی آنهاست سمت اهداف عالی تر است و آنها را قادر خواهد ساخت تا در قدم‌های بعدی خود به ریشه همه بیعدالتیها و استثمارها دست بزنند.

برخورداری از این حقوق انرژی و استعداد‌های خلق توده‌ها را خواهد شکست و آگاهی مبارزاتی‌آنها را سرعت بالا خواهد برد و راه حرکت سوی پیروزیهای درخشان آینده را بر روی آنان خواهد گشود و سرانجام ریشه همه ناامنی‌های زندگی، استثمار و

هر نیرویی که آنها را نقض و پایمال می‌کند ایستادگی کنند و پرچم مبارزه برای کسب بی‌کم و کاست آنها را بدست بگیرند. به آنها نشان بدهند که تنها مبارزه متحدانه آنها ضامن تأمین و تضمین و حراست از حقوق اولیه مردم زحمتکش است. به آنها بگویند که ما همواره به مفاد این بیانیه متعهد بوده و خواهیم بود و میکوشیم در هر جایی که امکان آن را با فتنه‌بیمه نیروی متحد و متشکل توده‌ها در ارگانهای حاکمیت توده‌ای از آنها حراست کنیم. و هرگاه نیروی متحد و متشکل توده‌ها در شوراها به اقداماتی دست بزنند و با قوانینی وضع نماید که منطبق بر روح حقوق و آزادیهای مندرج در این بیانیه باشد، ما از این شوراها و اقدامات انجام شده توسط آنها پشتیبانی ملی خواهیم کرد.

رفقای ما باید بگویند که مواد این بیانیه را به تأکید توده‌های هرچه وسیع‌تری از مردم، در جلسات، مجامع عمومی و اجتماعات گوناگون برسانند. به بحث بپردازند و آنها را من برزنند، نگذارند، هواداری و سمپاتی بخشهایی از زحمتکشان به این یا آن حزب و جریان سیاسی مانع از گسترش نفوذ این بیانیه در میان آنان نشود. هرآنسان زحمتکش و آزاده‌ای که پایمال شدن این حقوق بدیهی و انگارنا پذیر را در زندگی‌اش بطور روزمره با گوشت و پوست تحمل کرده است، مطمئناً در مقابل آن قرار نمی‌گیرد و با کار و بصورانه و توضیح آگاه‌گرانه ما به مدافع آن تبدیل میشود. " اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان" باید در نتیجه فعالیت رفقای ما به قطمانه، هرمتینگ و هر اجتماعی تبدیل بشود و بی‌شائبه حداقل حقوق مردم زحمتکش تثبیت گردد. به تعداد زیاد و همه‌جا در بین مردم توزیع شود. بحورت بزرگ نویسی شده و بر حسته در ما بروا ماکن عمومی و هر جا که ممکن شد، نصب گردد.



و ستمدیده در کردستان می‌خواهیم که بندهند این بیانیه را به پرچم مبارزات سیاسی و اعتراضی خود تبدیل کنند. مبارزه برای کسب آنها، مبارزه با نقض و پایمال شدن آنها، با بستنی به یک سنت و عادت رایج تبدیل بشود. ما انتظار داریم که محتوی این بیانیه در اجتماعات مختلف توده‌ای بعنوان حقوق مسلم و انگارنا پذیر مردم ستمدیده و استثماری شده مورد تأکید قرار بگیرد. مردم کردستان باید با تکیه به نیروی جنبش انقلابی و مسلحانه خود نگذارند، قوانین ارتجایی جمهوری اسلامی بجای این حقوق عادلانه مسلم، در کردستان تثبیت گردد و در همین حال از هم‌اکنون از هر نیرویی بخواهند که این حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را بر سمیت بخشد، بپذیرد و به آنها احترام بگذارد.

بدون شک مردم کردستان، در این مبارزه تنها نیستند. مبارزه آنها برای کسب این حقوق بخشی از مبارزه توده‌های محروم و استثماری شده سراسر ایران است. هر جا این حقوق بدیهی نفی و انکار کردند، مبارزه برای بدست آوردن آنها وجود خواهد داشت و حزب کمونیست ایران، توده‌ها را به این مبارزه فرا میخواند. با تمام قوا از آن پشتیبانی نموده و آنرا سازماندهی و هدایت میکند.

سوال: وظایف رفقای تشکیلاتی در رابطه با انتشار این بیانیه چیست؟

جواب: رفقای مادر ستا سر کردستان، در کلیه مرصه‌های فعالیت کنونی (امم از رفایی که در واحدهای رزمی فعالیت میکنند و یا در کمیته‌های بخش و دسته‌های سازمانده) به فعالیت‌های علنی و مخفی مشغول هستند. همچنین هواداران کومه‌له در کلیه شهرهای کردستان همگی با بستنی فعالانه دست به کار تبلیغ و توضیح این بیانیه بشوند. برای مردم توضیح بدهند که در انتهای قرن بیستم اینها حداقل آن حقوقی هستند که باید از آن برخوردار باشند. به آنها بگویند که در هر شرایطی و در برابر

حرکتی نوین هستند. این شکل نوین و تعرضی مبارزه - مطابق آنچه قبلا توضیح دادیم باید نه در یک یاد حرکت و در این با آن ناحیه - بلکه در سراسر کردستان در شهر و روستا، و در همه مبارزات توده‌ای بصورت سنت در آید.

شکوفان نمودن این حرکت نوین توده‌ای، ارتقا، مبارزات توده‌ها و گسترش بخشیدن بدان - در همان حال که خود از جنبش مسلحانه متاثر می‌گردد - سر مبارزه* مسلحانه کنونی نیز تا تیر فراوان خواهد گذاشت. این مبارزات سبب خواهد شد که رجمتکشان هر چه بیشتر منافع خود آشنا شوند؛ هر چه بیشتر آگاه و متشکل و بیدار گردند، و برای رهایی هر چه بیشتر تحت سیاه‌ستهای کومه‌له اسلحه بدوش گیرند و بپا در هر حال در رابطه با مبارزه* مسلحانه کوشا تر از حال و وظایف و تکالیف انقلابی را تقبل کنند. در یک کلام گسترش بخشیدن به مبارزات متحدانه، هدفمند و تعرضی توده‌ها بدرتوده‌ای ترک کردن جنبش مسلحانه کنونی نقش موثری ایفا خواهد کرد.

حعفر شفیعی

شهریور ماه 1363

کارگران و زحمتکشان!

به حزب کمونیست ایران

پیوندید!

**برنامه کومه‌له برای
خودمختاری کردستان**

را بخوانید

بخشهای "کناربروز" و "سوما" بدعوت رفقای ما جلساتی توده‌ای برای بررسی مسایل خود تشکیل دادند، روز ششم فروردین ماه بدعوت فعالین کومه‌له نمایندگان مردم روستاهای "اشکوتک"، "خوشه‌دلان"، "دیمان"، "بوتک"، "سوفی"، "کانون"، "چنان"، "زنگه‌کان"، "قره‌قاج"، "آودیلان"، "غلیان"، "کانی سبی" و "اشکسو" تشکیل شد. در این جلسات پیرامون مبارزه علیه سرپا زگیری، انحلال شوراهای اسلامی، تشکیل نمط مومسی (شوراهای واقعی) و تحریم نمایش انتخاباتی رژیم به بحث پرداختند. این حرکات علیه رژیم کم‌وکاستی‌های خود،



"پیشرو" شماره 1 بزبان کردی منتشر شد.

در این شماره میخوانید:

- زنده با قدرت شوراها
- متن سخنرانی رفیق فواد در پاپان کوچ تاریخی مردم مریوان

... و

اقلیت، مدافع ... بقیه از صفحه ۱

دفاع بی‌مهرده‌وی از بورژوازی در کردستان در مقابل نیروی پرولتری در جنبش کردستان - را مشاهده کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که این سیاست در نزد اقلیت بزرگ تحویل منوچکی و لیمبرالی از جنبش ملی - دمکراتیک کردستان و غیرطبقاتی بودن آن متکی است، تحلیلی که معتقد است "سرنوشت جنبش کردستان به سرنوشت حزب دمکرات کردستان بستگی دارد" و به عبارت دیگر از دمکراتیک بودن جنبش انقلابی کردستان نتیجه می‌گیرد که بورژوازی در آن نقش تعیین کننده داشته و "مهر طبیعی" آن شمرده می‌شود، تحلیلی که نه تنها با دیدگاه‌های مارکسیسم راجع به نقش طبقه کارگر ۱۹۲۱ و حزب کمونیست در انقلابات دمکراتیک منافات دارد بلکه واقعیات مسلم کردستان را نیز نادیده می‌گیرد. البته این راه باید ادامه گرفته شود که گنینه و تعصب همیشریک اقلیت بر علیه کوبله، حزب کمونیست و مارکسیسم انقلابی نیز در سبوق دادن اقلیت به سمت اردوگا بورژوازی در کردستان نقش خاصی ایفا میکند.

ما همه این واقعات را گفته‌ایم و اقلیت هم که ما قدرگونه جواب روشن و استدلال سیاسی است با بیرون ریختن دیوانه وار سیل دشنام و دروغ و جناب حقایق به ما آمده است. چه میتوان کرد؟ از کوزه همان بیرون تراود که در اوست!

اما اخیراً مدتی است که اقلیت ترسهای شمشع دیگری هم در مورد جنبش انقلابی خلق کرد عرضه کرده است. اقلیت این بارتلاش جدیدی را آغاز نموده و کل جنبش انقلابی کردستان، دورنما و بهیروزی آن را به زیر سوال برده است و طی بکسری مقاله بنام "اختلافهای موجوداً اتحادهای آینده" در شماره‌های ۱۷، ۱۸ "ریکای کهل" (ارکان شاخه کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران) بتاريخ اردیبهشت و فروردین ۶۳۱ از این موضع به

تخطئه ما پرداخته است. و این با آشکارا تر از پیش درک پاسیفیستی و شکست طلبانه‌اش را از این جنبش و تزلزل و کوتاهی‌های خود بورژوازی‌ها نسبت به دورنمای جنبش انقلابی در کردستان و ارتباط آن با جنبش سراسری و نقش و وظیفه کمونیستها در قبال جنبش خلق کرد را بروز داده و بالاخره اینکه شونیم دیرینه خود را نیز واضح‌تر از قبل بنمایش می‌گذارد.

ما سعی میکنیم در این مقاله ضمن روشن نمودن مواضع شکست طلبانه و شونیمستی اقلیت، عواقب زیانبار آنرا برای جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش سراسری طبقه کارگر توضیح دهیم.

اقلیت مروج پاسیفیسم و شکست طلبی

"ریکای کهل" در ابتدای مقاله هدف خود را "انحسام بخشیدن به جنبش خلق کرد" و "استوار ساختن صفوف کارگران و زحمتکشان کردستان" بیان میدارد و پس از یک سری کلی‌گویی در مورد اهمیت جنبش انقلابی خلق کرد می‌نویسد: "قبل از هر چیز باید چشم انداز روشن و واقعی در برابر توده‌ها قرار داد و معنای معنی حرکت آتی جنبش را تصریح کرد و گرگها‌های اساسی آنرا بازنمود." (ریکای کهل شماره ۱۲)

خواننده‌ای که به ادبیات سیاسی اقلیت آشنا نباشد، انتظار دارد که در ادامه مقاله واقعا مسائل فوق مورد بحث و بررسی قرار گیرند تا به انگای آنها بتوانند از "چشم انداز روشن و واقعی" و "معنای معنی حرکت" جنبش انقلابی خلق کرد در بابیه دیدگاه اقلیت سردر بیاورد. اما هر چه بیشتر مقاله را ورق می‌زنیم تا تعجب متوجه می‌گردیم که برخلاف انتظار، درست عکس آن یعنی فقدان "چشم انداز روشن" و "انکار واقعی" معنای معنی برای حرکت آتی در جنبش انقلابی خلق کرد مورد بحث و استدلال قرار می‌گیرد! از "انحسام بخشیدن به جنبش خلق کرد" توسط اقلیت بهیض از

این هم انتظاری نمیرفت! گوش کنید:

"وضعیت کمونی و چشم انداز آینده جنبش ملی - دمکراتیک خلق کردنیز بدون هیچ تردیدی تابع توازن نیرو و افت و عیزهای جنبش سراسری است ... بدون درک اهمیت این پیوند نقش تعیین کننده جنبش سراسری در این رابطه، هرگونه حرکتی بر زمین، جنبش انقلابی خلق کرد فاقد آینده ای روشن و چشم اندازی پیروزمند خواهد بود." (همانجا - تاکیدها از ما ست)

از نظر اقلیت جنبش انقلابی خلق کرد، وضعیت کمونی، چشم انداز و حرکت آتی آن، در خود قابل بررسی و تحلیل نیست، ترسیم پیروزی برای آن غیر ممکن است و تدوین استراتژی برای آن بیهوده است. زیرا همه چیز تابع "افت و عیز" های جنبش سراسری است و به آن گره خورده است. ما دارد از اقلیت سوال کنیم: آیا جنبش خلق کردی منشا به جنبشی ملی - دمکراتیک، جنبشی مسلحانه و توده ای از ویژگیهای خاص خود، از اهداف و شعارها، پتانسیل و توان ویژه خود برخوردار نیست؟ اگر برخوردار هست، این عوامل چگونه خود را نشان میدهند؟ اگر همه چیز تابع "افت و عیز" های جنبش سراسری است، پس چه تفاوتی و چرا بین کردستان و مثلا افغانان وجود دارد؟ چگونه است که ۶ سال پس از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ۳ سال پس از منقطع ۳۰ خرداد، هنوز یک جنبش انقلابی آشکار، توده ای و مسلحانه در کردستان هرمان دارد که روی آوری توده ها به آن نه روبرو کاهش بلکه روبرو تزیاد است. در حالی که در نقاط دیگر ایران بهیچوجه چنین وضعیتی موجود نیست؟

اقلیت این تما یزوا این "عدم تابعیت" جنبش خلق کرد از جنبش سراسری را چگونه توضیح میدهد؟ واقعیات مبارزات چند ساله خلق کرد در کردستان و بایاداری و تعمیق و حتی پیشروی آن در مواردی، علیرغم "افت و عیز" های جنبش سراسری، واقعیاتی آنچنان بر همگان روشن، زنده و سرسختند که نویسنده ریگای گول هم هنگام روبروشدن با آنها دست و پای خود را کم کرده و به سفسطه بافی میپردازد:

" اذعان به امرفوق بهیچوجه نافی جایگاه حساس جنبش انقلابی خلق کرد در جنبش سراسری نیست." (همانجا)

نه، آقایان. با حملات دوپهل و بازی با کلمات نمیتوانید گریبان خود را خلاص کنید. امروز دیگر هرزمتکش آگاه و هر پشمگ انقلابی، بویژه که قبلا نیز یکبار سا زمان "پرافتخار" شما و سیاستهای شکست طلبانه آنرا در جنبش انقلابی کردستان آزموده است، بسادگی میتواند شما را در مقابل این پرسش قرار دهد: "شکی نیست که جنبش سراسری بر جنبش خلق کرد تا ثیر نیرومندی دارد، شکی نیست که اعتدالی جنبش کارگری و توده ای در سراسر ایران، شرایط مساعدی برای رشد و پیروزی جنبش خلق کردهم فراهم میسازد، اما آیا لآخره شیوه و شعار شما، استراتژی مورد نظر شما برای به پیروزی رساندن جنگ مسلحانه خلق کرد چیست؟ و بخصوص در صورت افت جنبش سراسری، چه چیزی را در پیش روی جنبش مسلحانه خلق کرد قرار میدهید؟ آیا ساید برای پیروزی جنگی و یا دفاع نمود و منتظر برآمد جنبش سراسری بود؟ اقلیت که بنیبه در گوش فرو کرده است، فقط یک جواب حاضر و آماده دارد: "نقش تعیین کننده با جنبش سراسری است، همه چیز تابع افت و عیز جنبش سراسری

زنده باد حق ملی در تعیین سرنوشت خویش

است ..."

و این چیزی نیست جز طفره رفتن از سرخورد مشخص و هوای صریح به سوالات فوق، منتها درپوشش اطوار رادیکال نمایانه و ما بمهم خودبا این شیوه سنجفا - که بویژه اقلیت از مدتی قبل آنرا به سیاست رسمی و تمام عیار خود تبدیل کرده است - آشنا هستیم. در اینجا نیز اقلیت لباس چپ و رادیکال بتن میکند تا بتواند نظرات عمیقاً راست و شکست طلبانه خود را پرده پوشی نماید.

واقعیت این است که اقلیت نه فقط درپوشش "پیوند با جنبش سراسری"، هر نوع تمایز جنبش خلق کردیم تا به یک جنبش ملی و رها بی بخش با اهداف و شعارهای خود را، با جنبش سراسری نمیکنند و تا اینجا شوونیم خود را به نمایش میگذارد، بلکه در همین حال به امکان پیروزی این جنبش به انگاه توده های انقلابی کردستان و تحت رهبری پرولتاربا اعتقادی ندارد و لاجرم تلاش ما را در رهبری پیروزمندان این جنبش برای نیل به اهداف سیاسی و نظامی آن مورد تمسخر قرار میدهد و در اینجا با سیفیم و شکست طلبی خود را ظاهر میسازد. اقلیت نمیتواند بفهمد که جنبش انقلابی خلق کردیم اینگونه بمناب به یک جنبش ملی - دمکراتیک دارای اهداف، شعارها و استراتژی و پیروزی قابل تعریف و مشخص خود میباشد، در همین حال در شرایط کنونی بخشی از مبارزات توده های کارگرو زحمتکش سرتاسر ایران را در راه سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب دمکراسی تشکیل میدهد.

پوچی و کاذب بودن رادیکالیسم صوری اقلیت و عمق با سیفیم و شکست طلبی درقبال جنبش انقلابی خلق کردیم گامی بخوبی نمودار میشود که جنبش خلق کردیم "جنبش سراسری" از لحاظ درجه، رشد، اشکال و شیوه های مبارزه توده ها، نقش عنصر آگاه و پیشرو در آن از تعلق مکانیکی مورد ادعای اقلیت سرخورد را نشان میدهد چنانکه در حال حاضر چنین است. اقلیت باید توضیح دهد که در حالیکه در کردستان جنبش مسلحانه توده ای، با پشتیبانی و حمایت

فعالانه، توده ها در جریان است و در سیمه ایران وضع بطور کلی از قرار دیگری است، چگونه میخواهد جنبش انقلابی خلق کردیم "تابع افک و غیرهای جنبش سراسری" نماید؟ نشوری "تابعیت" جنبش انقلابی خلق کردیم از "افک و غیرهای جنبش سراسری" اقلیت چه معنای دیگری بحر "تابع" کردن انقلاب مسلحانه، توده ها در کردستان به شرایط عقب افتاده تر "جنبش سراسری" (عقب افتاده تر از لحاظ درجه رشد و اشکال مبارزه، توده ها و نه الزاماً از لحاظ مضمون) در حال حاضر دارد؟ آری، نشوری اقلیت میخواهد "غیر" جنبش انقلابی خلق کردیم را تابع "افک" "جنبش سراسری" کند. این رسالت واقعی تزه های اقلیت است، تزهایی که دقیقاً سیاستها و عملکردهای اقلیت را توجیه میکند. حقیقت این است که اقلیت به سبانه "پیوند" با "جنبش سراسری" (تزا اقلیت نه در جهت تحکیم این پیوند بلکه در خدمت سست نمودن آن است) میکوشد که دورنمای پیروزی جنبش خلق کردیم تیره و تاریک شود، پیروزی این جنبش را نفی نماید و هیچ حرکتی را - مستقل از "جنبش سراسری" - برای آن به رسمیت نشناود و فاقد زمینه عینی قلمداد کند و بدینسان به ترویج با سیفیم پرداخته و برای فاش به تال پایه، نشوریک بترشد. اما برآستی اقلیت میخواهد چه کسی را مرید دهد؟ توده های خلق کردیم و پیشمرگان انقلابی مدت ها است که در جنبش ها، مقاومت های بی نظیر و نبردهای بی امان خود بر این احکام حیوانانه و شکست طلبانه مهر باطل کوبیده اند. زحمتکشان کردستان به آن اندازه از آگاهی و تجربه، سیاسی و نظامی دست یافته اند که این گونه سیاستها را که خواهان مبارزه بدون دورنمای پیروزی، بدون رسم نشان دادن راه این پیروزی است، سیاستی ناپیگیر و بلکه مرگبار برای خود بدانند.

امروزه زحمتکش آگاه و انقلابی در کردستان خواستار آن است که نه فقط در مطلوب ترین و مساعدترین شرایط بلکه تحت شرایط دشوار و

نیز خود یکی از عوامل تسهیل کننده و تقویت کننده تحقق تاکتیک سراسری حزب کمونیست است. ما تمام توان خود را یکار بسته و می‌بندیم که این مطلوبترین شرایط برای پیروزی دمکراسی انقلابی در سراسر ایران متحقق شود. شرایطی که طی آن تحقق استراتژی جنبش خلق کرد نیز با سهل‌ترین رگم‌دردترین راه میسر گردد. اما هیچ کدام از اینها مطلقاً ضرورت بسیج و رهبری توده‌های انقلابی کردستان را در جهت تحقق همان استراتژی تخریف شده جنبش انقلابی خلق کرد، در صورتیکه چنین شرایط مساعد سراسری هم وجود نداشته باشد، نفی نمی‌کند. هرگونه نفی هدایت مستقل جنبش انقلابی خلق کرد در جهت تحقق قطعی اهداف سیاسی و نظامی آن به بهانه آماده نبودن شرایط برای یک انقلاب سراسری فقط به معنای بدترین پاسیفیسیم و شکست طلسمی بوده و بدترین شرایط را نیز به جنبش کارگری و انقلابی سراسری وارد می‌سازد.

اقلیت، مدافع شوونیسم

اقلیت که بر پاسیفیسیم خود در برخورد به جنبش انقلابی خلق کرد آگاه است، در ضمن آن چنان شمسی‌ای بر خود را هست که درک نماید نمیتوان با غزبه‌لغات فوق جنبش خلق کرد را به پاسیفیسیم کشاند و کالایش جز در میان عده انگشت شماری منفعل و وامانده دیگر خریداری ندارد، لذا به صلاح دیگری دست می‌آزد و شمشیر زنگ زده شوونیسم دیرینه خود را از غلاف کشیده و سمیدان می‌آید و این بار سعی میکند حقانیت و مضمون جنبش توده‌های انقلابی کردستان را به زیر سوال برد. او که میکوشید ثابت کند این جنبش فاقد دورنماست و پیروزی ندارد، حال اصولاً مضمون آن را باطل اعلام میکند و به این ترتیب گام دیگری در منحل‌بافت طلسمی و ریاکاری فرو می‌برد. گوش کنید:

" اگر کومه‌له به کردستان بعنوان یک کشور واحد فکر نکند، شعرا استراتژی‌کش در بیرون راندن ارتش اشغالگر از سرزمین

ما مسا عدنی درونمای پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد پیروشی ترسیم گردد. تاکتیک ما در کردستان به این مساله پاسخ روشنی میدهد.

ما با رها این حقیقت را (که برای اقلیت هنوز جای تردید است) خاطر نشان کرده‌ایم که جنبش انقلابی خلق کرد یک جنبش ملی - دمکراتیک است که دارای پایه‌های عینی تاریخی و اجتماعی خاصی بوده و از لحاظ عملی بر زمینه انقلاب ۵۷ رشد و تکامل یافت. هدف جنبش خلق کرد که اکنون بیش از سه سال ارضیات آن میگذرد، کسب حق تعیین سرنوشت است. این جنبش اکنون به یک جنگ انقلابی تمام عیار تکامل یافته است، جنگی که استراتژی آن نمیتواند ضربه زدن و منتظر برآمدن جنبش سراسری شدن باشد، آنطور که اقلیت می‌پسندد. هدف این جنگ انقلابی تحقق خواست سیاسی جنبش یا عبارت دیگر تحقق قهرآمیز حق تعیین سرنوشت است. بنابراین استراتژی نظامی این جنبش در جامع‌ترین و قطعی‌ترین صورت خود نمیتواند چیزی جز درهم شکستن، سرچیدن و سرورون راندن نیروهای سرکوبگر و اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان بمنظور بیکری نشان دادن اراده و حاکمیت توده‌های مردم کردستان باشد. واضح است که به این ترتیب و تنها به این ترتیب است که جنگ انقلابی خلق کرد و گام برداشتن در راه تحقق استراتژی آن بزرگترین مبرمات را به دولت، بورژوازی و ماشین سرکوبگر آن نیرو وارد می‌سازد. ما این را نیز با رها اعلام کرده‌ایم که تاکتیک معوری حزب کمونیست ایران بسیج و رهبری دمکراسی انقلابی حول پرچم بخش حداقل برنامه، حزب کمونیست برای سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک قیام پیروزمند توده‌ای و بر سر کار آوردن جمهوری دمکراتیک انقلابی است. واضح است که پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و تحقق اهداف آن و تضمین تداوم آن در این صورت به‌کاملترین و مطلوبترین شکل ممکن میگذرد. (همانطور که ادامه پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد

را به اعتبار آن برایش "تصوری نادرست" قلمداد میکنند یعنی "کشور واحد کردستان"، درحقیقت جز همان سلاح آشنای شوونیم که همواره مستمک کوبیدن جنبش خلق کرد بوده یعنی "تجزیه طلبی" چیز دیگری نیست. تئورسین بورژوازی میگوید: "هودمختاری غیرقابل قبول است. چنین چیزی بمعنای تجزیه طلبی است."^۱

وتئورسین فدایی اعلام میکند که:

"اعمال حاکمیت انقلابی توده های مردم کردستان تصورنا درستی است که از فکر کردن به کشور واحد کردستان نشأت میگیرد." البته اقلیت میتواند ادعا کند که او حاکمیت انقلابی مردم کردستان را "در شرایط حضور یک بورژوازی متمگر در خارج مرزهای کردستان"^۲ به زیر سوال برده است. اما این تصریح اقلیت نمیتواند شوونیم وی را کمزنگتر آنچه واقعا هست بنماید. اقلیت از فرط "غم خواری" برای "جنبش سراسری" شوونیت از آب درآمده است! او سازماندهی دمکراسی انقلابی و بسط آن تاحد حاکمیت انقلابی در کردستان را نفی میکند، مگر آنکه در همه های ایران همزمان بتوان چنین سیاستی را اتخاذ کرد! او به این بهانه که باید کل ماشین دولتی را ز در هم شکستن ارتش و نیروها و نهادهای سرکوبگرو ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان، یعنی جایی که به حکم موقعیت مینس شرایط برای چنین مبارزه پیروزمندانهای وجود دارد، بر عذر میدارد! وتوده ها را با این میترساند که "بورژوازی اگر در خارج مرزهای کردستان هم باشد" باز هم کار آنها "تصورنا درستی" است چرا که

کردستان وتوهم پیروزی استراتژیک توده های زحمتکش خلق کرد بدون پیروزی توده های سراسر ایران در یک انقلاب دمکراتیک ... نه فقط این تصورنا درست را ایجاد میکند که خلق کرد میتواند وقادر است با حضور یک بورژوازی متمگر ارتجاعی در خارج از مرزهای کردستان به پیروزی نهایی، یعنی اعمال حاکمیت انقلابی مردم دست یابد، بلکه درحقیقت ومهمتر از این گرایشات ناسیونال شوونستی را در درون این جنبش ... تقویت میکند.^۳*

(ریگای گول، شماره ۱۸)

براستی جالب است! با منطق اقلیت اعمال حاکمیت انقلابی مردم در کردستان "تصوری نادرست! والزاما بمعنای "مکرکردن" به "کشور واحد کردستان" وبمعنای ناسیونالیسم و شوونیم! است. مطمئنا این "دلسوزی" اقلیت برای جنبش خلق کرد و "دوستی خاله غرسه" آن با جنبش کارگری دیگر تمسین وآفرین بورژوازی ملت متمگر را نشا را اقلیت مینماید. گفته های سران رنگارنگ بورژوازی ملت متمگر را که بارها در مقام ناصح خلق کرد ظاهر شده وباهمین نسوخ "دلسوزی" اظهار داشته اند "شما نمیتوانید امور خود را اداره کنید. پس همان بهتر که تحت قیمومت ما باشید." بانظرات اقلیت مقایسه کنید تا دریا بید که کلمات قمار اقلیت بحز در شیوه بیان هیچ فرق ماهوی با فرمایشات وتهدیدات تئورسین ها و سیاستمداران بورژوازی ملت بالادست ندارد. آن لولوبی که اقلیت خلق کرد را با آن ترسانده و "اعمال حاکمیت انقلابی مردم"

* اقلیت در اینجا مرتکب یک خلط مبحث پوپولیستی میشود. بحث بر سراسر اتژی پیروزمند یک جنبش معین یعنی جنبش خلق کرد است. ونه پیروزی استراتژیک توده های زحمتکش، پیروزی استراتژیک کارگران وزحمتکشان جز سوسیالیسم معنای دیگری نمیتواند داشته باشد و سرخلاف بینش پوپولیستی اقلیت یک انقلاب دمکراتیک پیروزمند نیز برای کارگران وزحمتکشان فقط یک پیروزی تاکتیکی محسوب میشود.

نیست که کمونیست‌ها با مبارزه برای خودمختاری یک ملت واحد از میان ملت‌های کشور خود مخالف باشند.^۱
(ریگای گه‌ل شماره ۱۸)

ما میگوئیم کمونیست‌ها بمثابه پیشاهنگسان پرولتاریا، در هر شرایطی باید رهبری و سازماندهی مبارزات طبقه‌کا رگربرای کسب قدرت سیاسی و رسیدن به سوسیالیسم را مراعات و فوری خود بدانند و هیچگاه این امر خطیر را که وظیفه همیشه‌شان می‌باشد در هیچ انقلاب و جنبش دمکراتیک نباید نفرا موشی سپرده و یا در صورت وظایف خود قرار ندهند. در همین حال در هر جنبش انقلابی و دمکراتیک توده‌های زحمتکش، (و منجمله مبارزه توده‌های خلق کرد برای خودمختاری) کمونیست‌ها نه تنها شرکت میکنند بلکه می‌کشند این مبارزات را تحت رهبری طبقه‌کا رگر و در راستای اهداف و منافع وی - و دقیقاً از زاویه فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای همان هدف اصلی و نهایی یعنی انقلاب سوسیالیستی - هدایت نمایند. و این دقیقاً سیاستی است که کومه‌له در رابطه با جنبش خلق کرد اتخاذ کرده است. برنا مه کومه‌له برای خودمختاری کردستان در حقیقت محتوای اجتماعی و طبقاتی آن خودمختاری است که از زاویه منافع طبقه‌کا رگر آگاه و برنا مه حداقل وی و منظور سوسیج و رهبری دمکراسی انقلابی در کردستان تنظیم شده و علانیاً کومه‌له بمثابه بخش کردستان حزب کمونیست ایران، جنبش انقلابی خلق کرد را بر این مبنا سازماندهی و در راستای تحقق این برنا مه رهبری و هدایت میکند.

اما گوش اقلیت به این حرف‌ها بده‌کا نیست. او در پشت کردن به مبارزه انقلابی توده‌های خلق کرد از امکان ناپذیری پیروزی آن شروع کرد، سپس اهداف عینی جنبش را تحریف نمود و بالاخره طرفداری نکردن از خواست مشخص آنرا تجویز نمود. روشن است که این‌ها دیگر بحث بر سر ارزیابی نیروهای محرکه و توان جنبش خلق کرد برای بررسی

بورژوازی ستمگر با لاف به آنها حمله خواهد کرد. "جنبش سراسری" در دستگاه تحلیلی اقلیت همان نقشی را بازی میکند که "تمامیت ارضی" در نزد شوونیست‌های بورژوازی ملت بالادست دارد و درست بهمان ترتیب بمثابه چماقی بر علیه جنبش انقلابی کردستان و برای خواباندن آن مسورد استفاده قرار میگیرد. "جنبش سراسری" اقلیت همان "تمامیت ارضی" بورژوایی است که بر آن رنگ صورتی - و نه حتی سرخ - زده شده است.

همانطور که گفتیم اقلیت تصمیم گرفته است نه تنها امکان پیروزی جنبش کردستان و بنا بر این ضرورت داشتن استراتژی معین برای آن را انکار کند، بلکه میکوشد هدف جنبش خلق کرد را هم مسخ و تحریف نماید. دقت کنید که در این راه به چه ترندهایی متوسل میشود:

"جنبش خلق کرد... برای رسیدن به اهداف خود که کسب حق تعیین سرنوشت یکی از اهداف آنرا تشکیل میدهد..."
(ریگای گه‌ل شماره ۱۷)

همه میدانند که هدف جنبش خلق کرد را کسب حق تعیین سرنوشت تشکیل میدهد و مسلحانه بودن این جنبش همه معنی آن است که خلق کرد اکنون کسب قهرآمیز حق تعیین سرنوشت را در دستور خود قرار داده است. این را نیز همه میدانند که شکل ویژه مطالبه این حق در نزد توده‌های خلق کرد بصورت خواست مشخص خودمختاری درآمده است. اما اقلیت عمداً خواست حق تعیین سرنوشت را یکی از اهداف جنبش خلق کرد (لابد از میان هزاران هدف!) قلمداد میکند. هدف اقلیت روشن است، او تلاش میکند به خیال خود با حذف خواست و هدف عینی معین این جنبش، پایه‌های عینی آنرا انکار کند و در نتیجه موضوعیت و ضرورت آنرا منتفی سازد. البته اوبه همین اظها ر نظر تلویحی بسنده نکرده و در این با طلاق پراستخا ربیشتر فرموده میرود:

"کمونیست‌ها برای خودمختاری مبارزه نمیکنند. این امر مطلقاً به این معنی

روشن‌هایی که بازتاب اوضاع مشخص سیاسی هستند - با مولفه‌های تشکیل دهنده دیدگاه اقلیت در حال حاضر در قبال جنبش خلق کرد و نیروهای بورژوازی و پرولتری درون آن هیچگونه تفاوت اساسی ندارد. و اگر اقلیت امروزه مستقیماً و فوراً همان نتایج عملی را که اکثریت گرفت، نمیگیرد، نه بخاطر "نیت خیر" وی، نه بخاطر مباحثاتی تئوریک - سیاسی متفاوت و در قبال جنبش خلق کرد، نه بخاطر ارزیابی متفاوتش از جنبش کردستان، اهداف و نیروهای درونی آن، بلکه از یک طرف بخاطر تغییری است که در اوضاع سیاسی عمومی بوجود آمده است به این معنی که اکثریت فدایی در آن موقع به اردوگاه حکومت پیوست و حال آنکه اقلیت در اپوزیسیون رژیم قرار دارد و از طرف دیگر ناشی از دست رادیکال‌نمایی است که اقلیت در دوره کنونی بشدت به آن نیاز دارد.

اقلیت در همین مقالات مورد بحث می‌نویسد:
 "با تضعیف نقش سازمان ما که در کردستان مدافع گرایش طبقاتی کارگران و زحمتکشان ... و حلقه پیوند سراسری آنها با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسری ایران محسوب میگردید، نقش و تاثیر دوی نیروی محلی دیگر یعنی حزب دمکرات و کومه له ... هر چه بیشتر شد."
 (ریگای گه‌ل، شماره ۱۷)

این هم از نقد اقلیت رادیکال به سیاستهای گذشته جفخا در قبال جنبش کردستان! صرف نظر از اینکه جفخا هرگز نمانده، گرایش طبقاتی کارگران نه در کردستان و نه در سایر نقاط ایران نبوده اما به فرض اینکه چنین نبوده باشد، باید از آقایان پرسید: آخر چگونه بود که "نقش سازمان" شما در کردستان "تضعیف" شد؟ و آیا این به اصطلاح "تضعیف نقش" - گوا اینکه فدائیان هرگز در کردستان نقش مهمی نداشتند - خود معلول چیزی جز خیانت آشکار به جنبش انقلابی خلق کرد و حتی

امکان پیروزی آن نیست و دیگر عدم امکان پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و اشتباه بودن ترسیم یک استراتژی پیرومند برای آن نمیتواند از جانب اقلیت نوعی "دلسوری" فیلد داد شود و یا حاصل بر نوع خاصی از ارزیابی قوای این جنبش گردد، چرا که اقلیت سرانجام نشان میدهد که او مولد و حافظ سیاستی از چنین مبارزه‌ای پشتیبانی نمی‌نماید و با بقول خودش برای چنین هدفی مبارزه نمی‌کند. حال قضاوت را به خواننده واگذار می‌کنیم که آیا کومه له دچارناسیونالیسم شده است و یا اقلیت در غرقاب شوونیسم فدای پسیفیسیم و آتش به تبال سر میدهد؟

سابقه، علل و ماهیت موضعگیریهای اقلیت:

اجازه دهید که مختصری هم در مورد سابقه، ماهیت و علل یک چنین موضعگیری و ارائه چنین تزهایی از جانب اقلیت صحبت کنیم.
 ما در ابتدای مقاله از تلاش جدید اقلیت برای به زیر سوال بردن جنبش انقلابی خلق کرد و دورنمای پیروزی آن صحبت کردیم. اما درست‌تر این است که آنرا دور جدیدی از تلاش سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای نقی جنبش انقلابی خلق کرد، نقی زمینه‌ها و اهداف عینی آن، نقی امکان پیروزی آن و بالاخره نقی نقش پرولتاریای آگاه در آن بنامیم. زیرا این اولین بار نیست که چنین نغمه‌هایی از فدایی به گوش میرسد.

کارگران و زحمتکشان انقلابی از گذشته - یعنی هنگامیکه فدائیان هنوز یک سازمان واحد "پرافتخار" را تشکیل میدادند - با این دیدگاه و بیشتر از آن با نتایج سیاسی و عملی آن آشنایی دارند. نتایجی که اکنون هر رسوایی و هر خاطره تلخ و تحقیرآلودی در ذهن توده‌ها چیرد دیگری از آن باقی نمانده است. مولفه‌های اصلی تشکیل دهنده دیدگاه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آنسگام یعنی قبل از خیانت آشکار اکثریت فدایی - صرف نظر از اختلافات کسریک و سایه

کا رگر در کردستان در حقیقت نفی ضرورت و امکان کا ر کمونیستی در کردستان را نتیجه می گیرد. اقلیت کا ر کمونیستی را در کردستان نفی میکند با آن مخالف است و همین دلیل است که اریکو سعی دارد نشان دهد که این کارفا قدا به و زمینه مادی است و از سوی دیگر مرتما را به "ذهنیگری" و "تسلیم ماسا ئلی که برای مردم مفهوم نیست" و نظیر اینها متهم میکند.

تاما بر خورد اقلیت به جنبش کردستان را میتوان اینطور خلاصه کرد: موضعگیری شوونیستی (از زاویه منافع بورژوازی ملت ستمگر) هنگامیکه جنبش فلق کرد در کل مطرح میشود که همانطور که نشان دادیم اخیرا به پای سفیسم و شکست طلبی آشکار هم کشیده شده است. موضعگیری ناسیونالیستی (از زاویه منافع بورژوازی کرد) هنگامیکه مبارزه طبقاتی در درون این جنبش میان می آید.

برای اینکه عمق پوپولیسم اقلیت، عمق ضدیت روبریونیستی او با کا ر کمونیستی و با تحکیم و توسعه صف مستقل پرولتاریای سوسیالیست را مشاهده کنید، بر خورد او با دموکراسی، یکی مساله تعریف نیروی پیشمرگ کومه له و وظایف آن و دیگری رابطه بین حزب کمونیست و ارتش تسوده ای را مختصرا مورد اشاره قرار میدهم.

ریگای گال ابتدا قسمتها یی از آئین نامه نیروی پیشمرگ کومه له را نقل میکند که در آن "پیشمرگ کومه له نیروی مسلح پرولتاریای انقلابی کردستان" که "بخاطر سوسیالیسم و کسب حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد مبارزه میکند" تعریف شده و در ادامه آن گفته شده: "نیروی پیشمرگ کومه له یک نیروی رزمنده، کمونیستی و بخشی از حزب کمونیست ایران است و از این رو ورود به صفوف پیشمرگان کومه له مستلزم اعلام آمادگی هرفرده کمونیست بودن و پذیرش اصول و اعتقادات و اهداف حزب کمونیست ایران است."

اقلیت که از کمونیستی تعریف کردن نیروی پیشمرگ بشدت رنجیده است، دجا ر آشفته گوئی

هدستی با رژیم جمهوری اسلامی و حاسوسی برای آن بوده است؟ و از خواننده هم سوال میکنیم که آیا تما دفی است که اقلیت باید "سیاستهای پرولنتی آن زمان را نشان می افتد؟

با همه این اوصاف اشتباه بزرگی خواهد بود اگر اختلاف خود اقلیت را در برخورد به مساله، کردستان، اختلافی صرفا بر سر درک ماهیت جنبش خلق کرد، پایه های آن، استراتژی آن و غیره فرض کنیم. آری، چنین اختلافی واقعا وجود دارد. اما این خود با زتابی از یک اختلاف بسیار اصولی تر و اساسی تر در بین ماست. همان اختلافی که اقلیت را در حبه، مخالف ما، در حبه، روبریونیم و در ضدیت با منافع طبقه، کارگرومارکسیسم انقلابی قرار میدهد. یک اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی - طبقاتی تمام عیار. تنها با در نظر داشتن این حقیقت است که میتوان درک کرد چرا بهمان نسبتی که جنبش خلق کرد طبقاتی تر شده و نقش ما کمونیستها در آن افزایش مییابد، اقلیت نیز بیشتر و بیشتر و لحوحانه تر به مخالفت با آن بر میخیزد، و چرا با وجود احتیاج شدید اقلیت به ایدئولوژی ما باز هم در قابل جنبش خلق کرد اهداف و سیاست های پرولتاریا در درون آن به ناگزیر رویش از پیش به بورژوازی کرد، به شوونیسم فارس و به گذشته خیانت با سازمان فدایی بنا میبرد.

از این زاویه این راه مხოوسی میتوان تشخیص داد که چرا اقلیت مداوما - و منجمله در مقاله مورد بحث - کومه له را یک "سازمان دهقانی" و کارگران و زحمتکشان کردستان را دهقان مینامد و با ختم ر ا فد الو ص فی آنها را میگوید.

دهقان نامیدن همه زحمتکشان کردستان در دستگاه فکری و استدلالی اقلیت دلیل مشخصی دارد. اقلیت با اینکار میخواهد تلویحا موجودیت عینی طبقه کارگر در کردستان را انکار کند. اما این هور هم، مساله نیست. اقلیت مانند همه روبریونیمتها - و در این مورد بویژه مانند ناسیونالیستها - از انکار موجودیت عینی طبقه

میشود و هر چند با بیخ و تاب بالاخره علت رنجش خود را با بنظر بیان میکند:

" بالاخره معلوم نیست کومه له مردم کردستان را برای تحقق اهداف دمکراتیک انقلاب ایران و منظور سرگونی رژیم خمینی بمبارزه دعوت میکند یا بیرون راندن "قوای اشغالگر" از سرزمین کردستان؟ (بنظر اقلیت این دو هدف مانع الجمع هستند!) و پیشمرگان او باید برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر رژیم جمهوری اسلامی و برقراری دولت خودمختار کردستان بجنگد یا باطر "سوسیالیسم"؟ "

(ریگای گه ل . شماره ۱۸ - پرانترها از ماست.)

اقلیت اهداف فوق را مانع الجمع می بیند و فکر میکند که یک نیرو با هدف برای خودمختاری و نیروی دیگری فقط برای سوسیالیسم مبارزه کند! این هم نمود دیگری از اصل منشویکی اقلیت مبنی بر ضرورت رهبری جنبش های ملی - دمکراتیک بوسیله "نیروهای سوزو-دمکرات" او نمیتواند تفاوت و درعین حال رابطه بین هدف جنبش خلق کرد را با هدف پرولتاریای انقلابی ملی درون این جنبش درک کند. نیروی پیشمرگ کومه له بمثابة یک نیروی کمونیستی و بخشی از حزب کمونیست ایران برای همان هدفی که حزب کمونیست در پیشا روی خود قرار داده است یعنی سوسیالیسم مبارزه میکند و این هدف را در درون جنبش خلق کرد و صرف نظر از هر آفت و خیر این جنبش نیروموازه تعقیب میکند. درعین حال کومه له و نیروی پیشمرگ آن نیروی رهبری کننده بیکر جنبش انقلابی خلق کرد و جنگ انقلابی آن منظور کسب حق تعیین سرنوشت بوده و این جنبش را در جهت پیروزی قطعی آن هدایت می کنند. اقلیت، مانند همه، یوپولیستها، نمیتواند اس را بفهمد که کمونیستها هنگام شرکت و رهبری جنبش های دمکراتیک، ضمن مبارزه برای تحقق

بیکر برانه خواست این جنبش ها، هرگز اهداف خودشان را به اهداف آن جنبش ها تقلیل نمیدهند. اما فداایی اقلیت که در اثر مباحثات مارکسیسم انقلابی در نقد همین گونه کوتاه نظریهای یوپولیستی پای استدلالش را حوسین می بیند، به دروغ آشکار و کاملاً محبت و غریبی متوسل میشود:

" کومه له خود این دوگانگی را بشیوه "دهقانی" حل نموده است. او بطور مکانیکی تیروهایش را به دو قسمت "محزا" و "سا رهبریت" محزا "منقسم نموده است. یک دسته، کومه له "کمونیست" هستند که برای استقرار سوسیالیسم و اهداف نهایی پرولتاریا مبارزه میکنند و یک دسته کومه له "ناسیونالیست" که برای اخراج نیروهای اشغالگر و ایجاد دولت انقلابی خودمختار می جنگند!" (هما نحا)

آقایان فدایی! آیا واقعا قوه استدلال شما در لمیک همین قدر و روشن در مباحثه همینطور است؟ اگر اینطور باشد نهایت بیجا رگی است. آخر آنها مطلقاً بی اساس است و درست نقطه مقابل آن در عمل وجود دارد. مادرگها نیروهایمان را به دو قسمت دمکراتیک و سوسیالیستی محزا و با رهبری محزات تبدیل کرده ایم؟ آن دونیرو چه نام دارند و با چه برنامه ای از یکدیگر جدا میشوند؟ مخترع دوگانگی مورد بحث کسی جز خود شما نیست. این شما هستید که فکر میکنید "دسته ای" با بدرای سوسیالیسم مبارزه کنند (کاری که ما مصرا نه می کنیم و شما با تمسخر به آن برخورد میکنید) و "دسته دیگری" برای پیروزی جنبش خلق کرد (ابضاً کاری که ما میکنیم و شما آینده اش را تیره و تا ترسیم میکنید). وانگهی شما فکر میکنید که چساندن یک کلمه "دهقانی" به حریفان باعث میشود که شما نتوانید گریبان خود را از استبداد و منطقی رها سازید؟ آخر ما چگونه دهقانی هستیم که مداوماً روی ضرورت تفکیک مف طبقه کارگر و حفظ استقلال وی، نه فقط در تشکیلات

سیاسی بلکه همچنین در تشکیلات نظامی و در دل جنبش مسلحانه ملی میبایستیم؟ و شما چگونه نمایندگان پرولتاریایی هستید که این امر را به مسخره میگیرید و اما میخواهید فقط به کار دمکراتیک - ملی بپردازیم؟ آیا منصفانه تر نیست که شما را پوپولستهای پوسیده‌ای بدانیم که هنوز هم بنظرتان یک تناقض و دوگانگی میرسد که یک تشکیلات کمونیستی هم وظیفه کمونیستی داشته باشد و هم وظیفه دمکراتیک، و فکر میکنید جنبش ملی - دمکراتیک حتما سازمان ملی - دمکراتیک و رهبری ملی - دمکراتیک میخواهد؟ و ما در مقابل کمونیستهایی هستیم که معتقدیم که هر دوی این وظایف را میتوان و باید در یک کس واحد سوسپال دمکراتیک یا کمونیستی انجام داد؟

و اما مساله دوم، "ریگای گل" ضمن آوردن نقل قولی از "بیشرو" (شماره ۱ فارسی، دوره جدید) درباره تقدم کارگری بر تشکیل ارتش توده‌ای، آنهم ضمن بیان اینکه ایجاد این ارتش توده‌ای را نیروی وظیفه "انتخاب نا پذیر آتی ما تلقی میکند، ما را به این خاطر باید انتقاد گرفته و می‌نویسد:

"گویا کومه له امروز وظیفه "سنگینتری" از سازماندهی" مبارزه توده‌ها و تشکل آنها در یک ارتش توده‌ای دارد! کومه له فعلا باید "حزب کمونیست"، خود را بسازد، کومه له هم اکنون بجای پاسخ به نیازهای مرموز و عاجل توده‌ها باید عناصری را که "اعلام آمادگی به کمونیست بودن کرده‌اند" و "اعتقادات و اهداف حزب کمونیست" او را پذیرفته اند سازماندهی نماید! کومه له فعلا باید فقط آنهایی را که روح القدس در آنها دمیده است، یعنی "کسانی" که به "روح اساسی و اصول گذشته نا پذیر انقلاب کارگری و کمونیستی اعتقاد" دارند به "صوف" خود "بپذیرد!"

(همانجا، همه تا کیدها از ریگای گل)

عناصرهای فدایی عزیز!

آیا هیچ میدانی این حرفهای شما تکرار مبتذل تئوری‌های فرسوده ۱۵ سال پیشتان در مورد "تقدم جنبه بر حزب" و "تقدم ارتش خلق بر حزب" است که جنبش کمونیستی مدت‌هاست آنها را بنشانه نوع بسیار ابتدائی و عقب افتاده پوپولیسیم به کنار افکنده است؟ شما در این جملات در حقیقت چه چیز را به مسخره گرفته‌اید؟ اینرا که ما کار حزبی، کار کمونیستی و تشکیل و تحکیم صفوف پرولتاریای سوسیالیست را بر تشکیل ارتش توده‌ای مقدم میدانیم. آری ما حداقل بر روی تربیت، تشکل و ملحق کردن کسانی که به روح اساسی و اصول گذشته نا پذیر انقلاب کارگری و کمونیستی اعتقاد دارند، کسانی که اعلام آمادگی برای کمونیست بودن میکنند پای میخا ریم و این را نه فقط در حرف و در صفحات ارگانمان بلکه در عمل و در پراتیک سیاسی و انقلابی خود کار می‌بندیم و از این زاویه نیز برای سازماندهی موفقیت آمیز ارتش توده‌ای رهسپار میشویم. آری، ما فکر میکنیم که واقعا "وظیفه سنگینتری" از "سازماندهی توده‌ها در ارتش توده‌ای" هم داریم و برخلاف شما و همسایه پوپولیسیتها "پاسخ دادن به نیازهای مرموز و عاجل توده‌ها" راه وسیله‌ای برای نفی و تحقیر کار کمونیستی، اینکار پاهای، همیشگی و همواره عاجل خود تبدیل نمیکیم. و اما شما "منصرهای تاریخی" پوسیده پوپولیسیتی که در اثر فشار مارکسیسم انقلابی بخود رنگ سرخ رده‌اید! آیا فکر نمیکنید که این گونه توسل‌تان به تئوریهایی و روشکته و منسوخ و بدوی پوپولیسیتی در مقابل شما با مارکسیسم انقلابی، این "رحمت به اصل" شما و این نشخوار کردن محدث‌ترهای پوپولیسیتی ۱۵ سال پیش فدایی، بر راستی سائگر افلاس، روشکستی و عقیم بودن شما راجع سیاسی است؟

عمر ایلخانی زاده - شهریور ۶۳



درباره: وظایف تبلیغی مادر بخورد به جهت گیریهای اخیر رژیم

اخیراً بدینال دفاع بعضی از سران رژیم نظیر منتظری و رفسنجانی از روشهای معتدلتر نسبت به مردم و حملات لفظی آنها به حزب الله، کمیته‌ها، ارگانهای قضایی، ظاهراً در جهت مراعات بیشتر حال مردم، فراخوان به جمع کردن عکسهای خمینی از دورودیوارهای شهر و کم کردن فشار بر متخصصین فن و اساتید دانشگاه‌ها و همچنین اظهارات خمینی مبنی بر دخالت کمتر آخوندها در کار دولت، خیراز آن می‌رسد که در بعضی نقاط برخورد عمال رژیم به مردم ملایم‌تر شده است، دخالت پلیسی مساجد را مورد مردم به‌عکس گذشته یافته، در ملاقات زندانیان تسبیحاتی بوجود آمده و...

در کردستان از آنجا که این جهت‌گیری عمومی رهبران جمهوری اسلامی به "اعتدال" یا سیاست عمومی قوای سرکوبگر رژیم در "تشویق به فاشیتال" و "امان دادن به کسانی که خود را تسلیم نمایند" همگوشه است، تخفیف شیوه‌های قهرآمیز رژیم به اشکال بیشتری به چشم می‌خورد و گویا در بعضی موارد کنترل بر شهرها و حاکمان پافشاری یافته و عبور و مرور به مناطق فعالیت پیشمرگان آسان‌تر شده و بعضی از زندانیان آزاد شده‌اند.

صرف نظر از اینکه این موارد تغییر روشها تا چه اندازه موضعی یا سراسری باشند، واقعیت اینست که نفس تغییر لحن سران جمهوری اسلامی در برخورد به مردم و دلجوئی بیشتر آنها از مردم و حملات مکرر آنها به ارگانهای حکومتی در این زمینه، خود عقب نشینی عملی رژیم در مقابل مردم است.

از آنجا که این وقایع پس از انتشار اخبار مربوط به جنب و جوش اپوزیسیون لیبرال در تبعید نظیر مدنی و بنی مدرو و همچنین درخواستها و مذاکرات سیاستمداران دول امپریالیست اروپایی و تاکید آنها بر لزوم رعایت حقوق بشر و ملایمت بیشتر وقوع می‌پیوندند، زمینه برای رشد همتای در میان مردم نسبت به جمهوری اسلامی و اصلاح شدن آن تحت فشارهای اپوزیسیون لیبرالی و دول خارجی فراهم گشته و تبلیغات لیبرالی و تسلیم طلبانه و آداگمان و سازشکاران در میان صفوف مردم و همچنین مواضعیهای مملوین جمهوری اسلامی امکان تاثیرگذاری بیشتری می‌یابد.

با توجه به نکات فوق لازم است که ارگانهای تبلیغی حزب در کردستان، مملوین محلی و واحدهای نیروی پیشمرگ در حوله‌های تبلیغاتی - سیاسی خود، همه‌هوا داران کومه‌له در شهرها و روستاهای کردستان موج تبلیغاتی وسیعی را در جهت خنثی کردن توهامات، تهییج و تشویق مردم و تشویق آنها به ادامه و تقویت مبارزه علیه جمهوری اسلامی برآه‌اندازند، در این موج تبلیغاتی نکات زیر را بدمورد توجه و تاکید مملوین قرار گیرید:

۱) به مردم تفهیم شود که این جهت‌گیری "اعتدالی" که مدامعانی در بین سران رژیم پیدا کرده است اساساً نه بخاطر تغییر ماهیت این حنا پتکاران و نه بخاطر ناهم‌پراسی‌ها و معادلات لیبرالی‌هایی چون بنی صدر و مدنی و نه اعمال فشار دول غربی است بلکه عکس، آنچه که هم جمهوری اسلامی، هم مخالفان لیبرال آن و هم سیاستمداران دول غربی را به ملایمت با مردم

میکشاند. ترس از انقلاب مردم ایران است انقلابی که گسترش با رضایتی و تشدیداً سرمارموسی وقوع آن را در آینده ای نزدیکتر نبود میدهد. با پدید آمدن ماههای آخر حکومت شاه نشان داد که جمهوری اسلامی نیز که وحشت از قهرتوده ها همه و خودش را فرا گرفته است تا گریز باشد تا توانی و عقب نشینی خود را با زبانه مفریبی بیشتری همراه و توجیه کند.

۲) باید توضیح داده شود که هر نوع عقب نشینی نیز در عملکرد این رژیم تنها میتواند نتیجه جانی مبارزه مستقیم و قاطعانه و سازش ناپذیر مردم علیه کل حاکمیت جمهوری اسلامی باشد و بنا بر این راه صحیح آنست که کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم و استثمار بر شدت اعتراضات خود بیافزایند و عقب نشینی رژیم را در همه عرصه ها سرعت بخشند: به آزادی چند زندانی رضایت ندهند و یکماده خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی گردند، به ملاپست مسئولین سر بازگیری رضایت ندهند و خواستار توقف سر بازگیری اجباری شوند، به عدم دخالت مساجد در توزیع ارزاق رضایت ندهند و خواستار عداوتی کامل مساجد از دولت شوند، به برچیده شدن پاسگاهها در داخل شهرها رضایت ندهند و خواستار خروج همه قوای سرکوبگر دولت از کردستان شوند ...

با پدید آمدن نشان داد که نفس همین عقب نشینی صوری در میان اعمال رژیم تزلزل ایجا کرده است و عمق و غامت اوضاع رژیم را به آنان نشان نداده است، اظهار نظرات متناقض امتدالی و افراطی در سطوح بالای حکومت در ارگانهای اجرائی و ابزارهای اعمال قهر رژیم کندی و عدم کارآیی ایجا کرده است و در پایان به اختلافات مسئولین در تفسیر رهنمودهای بالا دامن زده است و به این ترتیب اینک مردم در مقابل دشمنی قرار گرفته اند که تا درجه ای ضعیف - تر و آسیب پذیرتر شده است، بر اساس این حقایق باید مردم را به ادامه مبارزه فراخواند، تهیه نمود و به آنها یاد داد که توقف نکنند و به حملات خود ادامه دهند و رژیم را بدون مجال توقف، عقب تر و عقب تر برانند. باید توضیح داد که به این ترتیب همه اختلافات و ضعف های درونی رژیم تا حد قابل جبرانی تشدید خواهد شد و بویژه اگر مردم انقلابی در پیشروی خود همه دستاوردها را بنحوی صحیح و با اتکا به قدرت سازمان یافته خود تثبیت نمایند.

در همین حال باید بر این نکته نیز تاکید شود که همه عقب نشینی های کنونی رژیم در مقابل مردم نیز - مادام که ما بر شدت مبارزات خود نیفزاییم - موقت و ناپایدار خواهد بود و در غیاب تعرض انقلابی مردم رژیم با رد دیگر با انجم بخشیدن به صفوف خود تعرضی دیگر را علیه مردم آما خواهد کرد.

۳) مبلغین حزبی با بد تا تیر هر نصیحت و موعظه و هر تبلیغ سازشکارانه که مردم را با اتکا به شواهد غیر از باطن ملامت رژیم به بردباری و امیدستن به بالا فرا میخواند با اتکا به سوابق جناپتکارانه دیروز و امروز رژیم جمهوری اسلامی که بیش از هر نمود دیگر میانگر ماهیت آنست غنشی نما بند، بویژه لازم است تبلیغات ما ماهیت تبلیغات تسلیم طلبانه نیروها مناسری که وعده های رژیم را از یکسو و سستی شرایط جنگ مسلحانه را از سوی دیگر پاسه، استدلالات خود قرا میدهند و دست کشیدن از جنگ و زمین گذاشتن اسلحه و بی فایده بودن مقاومت

سیاست ضدانقلابی کوچ اجباری، یورش به حقوق اولیه مردم کردستان

و در این رهگذر میکوشد با بحال کردن ابتدائی ترین حقوق مردم خانه و کاشانه آنان را به ویرانه تبدیل کند. آنان را به آوارگی بکشاند و مرصه زندگی و مبارزه را بر آنان بیفت از پیش تنگ نماید. از همان ابتدا، کومه له برای مقابله با این طرح ضد انسانی، اقداماتی نظامی و فعالیت سیاسی - تبلیغی گسترده ای را در دستور کار خود قرار داد. تمرکز پیشمرگان کومه له در منطقه بیشتر شد و فعالین چه در جلسات عمومی مردم، چه در تبلیغ خانه به خانه، به تشریح ماهیت این طرح و عواقب زبانباران و ضرورت مبارزه جدی و متحدانه برای غنشی ساختن این طرح پرداختند. همچنین رادیو صدای انقلاب، با پخش اخبار مبارزات و ارائه رهنمودهای مبارزاتی، در ادیکال تر کردن این مبارزه و جلب پشتیبانی بقیه مردم کردستان از آن میکوشید.*

این طرح از همان ابتدا با اعتراض و مقاومت گسترده توده های مردم روبرو گشت. از اهزروستا چند نفر و جمعا ۲۵۰ تنی روانه شهر سردشت شدند. مزدوران رژیم اعلام میدارند که: "این طرح از بالاست و مرکز آن را تصویب کرده و باید به اجرا درآید.

علیرغم اینکه عده ای فرصت طلب مردم، و حتی مرتجع در میان آن جمع ۲۵۰ نفری، کوشیدند به نام مردم سخن بگویند، مبارزات آنان را از مقاومت در مقابل نفس سیاست کوچ اجباری و تن ندادن به آن، به دریافت خسارات ناشی از این کوچ، منحرف نمایند؛ ولی مقاومت و ایستادگی توده های مردم مناطق فوق رژیم را وادار کرد که با احتیاط عمل

رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی، در اواخر مرداد ماه طرح ضد انقلابی و ضد انسانی دیگری را علیه توده های خلق کرد آشکار ساخت: طرح کوچاندن اجباری مردم روستاهای مرزی مناطق آلان و سویسی سردشت.

رژیم ابتدائی اولتیماتومی به مردم این مناطق (و همچنین بمردم روستاهای سیمر و نستان در بخش گه ورک سردشت) اخطار کرد که با بد طرف ده روز روستاهای خود را تخلیه کنند، در غیر این صورت روستاهاشان با توپ و خمپاره کوبیده خواهد شد.

سیاست کوچاندن اجباری مردمی که در یک جنبش انقلابی و مسلحانه شرکت دارند. سیاست نازهای نیست. انقلاب بهمن طرح این سیاست از جانب دولت بورژوازی شاه را به تعویق انداخته و گرنه پیش نویسی این سیاست در آرشو رژیم شاه موجود بوده است، و حال حاکمان ددمنش کنونی این "سعادت و افتخار" را پیدا کرده اند که به اجرای این سیاست ضد بشری بپردازند.

این سیاست قبل از هر چیز سیاسی است علیه جنبش انقلابی کردستان، جلوه ای است از سلسله سیاستها و برنامه ها و طرح و توطئه های رژیم برای تضعیف و به شکست کشاندن این جنبش. رژیم میخواهد این مناطق را بزور از سکنه خالی کند تا برای پیشمرگان و مردم قابل زیست نباشند؛ تا پیشمرگان و مردم در این مناطق نتوانند به هم مرتبط باشند؛ تا از تعرض پیشمرگان و مردم انقلابی در آن با شد و بتوانند حضور خود ادامه دهد.

* - دفتر سیاسی حزب دمکرات در اطلاعیه ای که بهمین مناسبت صادر کرد نوشت: "بدین ترتیب حکومت به اصطلاح اسلامی خمینی در سرمای یا شیر و فصل برداشت محصول^{سالانه} ۶۶ روستای کردستان را با ۱۵۶۳ خانوار ۹۵۵۲ نفر جمعیت مجبور میکند بدون آنکه محل مشخصی برای ایشان تعیین گشته، طریقی برای زندگی و امر معاش آنان پیشها شود و زیان و خساراتشان حیران گردد. خانه ها، مزارع، احشام

کندوا ولتیماتوم ۱۰ روزه اش را عملالتا پس بگیرد. سپس رژیم برای اینکه مرصه زندگی را بر مردم تنگ نماید، به بهانه اینکه منطقه درجه سه جنگ ایران و عراق قرار دارد؛ به توپ باران و خمپاره باران منطقه پرداخت. خساراتی بمردم وارد آمد، زنی بنام ماهیسه در روستای اشکان بشهادت رسید و دخترش زخمی گردید.

اما مقاومت مردم همچنان ادامه داشت. رژیم که خود را در برابر برماقت یکپارچه مردم روستاهای متعدد آلان و سویسنی (حدوده ۱۰۰ روستا) میدید؛ موقتاً مکان دیگری را برای به نمایش گذاشتن توحش خود برگزید؛ مزدوران جنایتکار رژیم فافلگیرانه و مغول وار بر سر مردم روستاهای مناطق کوهستانی "به ری سرگان" و "سه رشاخان" در بیرانشهر، ریختند و در مدت کوتاهی اهالی روستاهای دوله تی، زه ویان و کیلی و احمدغریب و بابکراوی را به زور کوچ دادند و تعدادی از این روستاها را به آتش کشیدند (توضیح اینکه روستاهای فوق روستاهایی کوچک و با جمعیتی کم هستند). جمهوری پس از نمایش پرده اول این توحش به سراغ مردم آلان و سویسنی برگشت. اما اینبار تاکتیک جدیدی تاکتیک گام به گام و

روستا به روستا. در اوایل مهرماه، مزدوران رژیم مردم دوروستای "بنوخلف" و "بیوران" را تحت فشار قرار داده، و مهلتی یک هفته ای را برای تخلیه روستاهایشان تعیین کردند. رژیم در مقابل اعتراض مردم این روستاها - که همگی اهالی شان برای نشان دادن اعتراض خود به شهر سر دشت رفته بودند - ولتیماتوم یک هفته ای اش را به ۱۰ روز افزایش داد. جالب آنکه مزدوران رژیم مردم این روستاها را تحت فشار قرار داده بودند تا متنی را مبنی بر آماندگی برای تخلیه روستا امضا کنند؛ مردم هر دو روستا در مقابل آن مقاومت کردند.

رژیم اکنون در مقابل مقاومت مردم این دوروستا نیز، فعلاً مهلت هه روزه اش را پس گرفته است. این مقاومتها هم اکنون که این گزارشات تنظیم میشوند، ادامه دارد. مردم زحمتکش مصمم انداخته و کاشانه خود را ترک نکنند.

تیمید افراد و هرگونه نقل مکان احباری آنها، اعم از فردی و گروهی، بمعنوان یک عمل فدا نسانی و ناقض حقوق اولیه بشری، محکوم و ممنوع است. (از اعلامیه حقوقی یا به ای مردم زحمتکش در کردستان)

و بطور کلی همه ثروت و دارایی خود را بجای بگذارند و با گرسنگی و فقر و بداری آواره مناطق دیگر گردند. ... (تاکیدها از ماست)

حزب دمکرات در این اطلاعیه بیشتر به شرایط کاری و جوی (فصل کارورسیدن پاییز) که در آن رژیم سیاست کوچ را مطرح مینماید و نیز به بی توجهی رژیم به در نظر گرفتن محل ثانوی زندگی آوارهگان، در نظر گرفتن راه تا مین معاش آنها و با در نظر گرفتن جبران زبانها و خسارات وارده بر مردم معترض است تا ماهیت عمیقاً ضد دمکراتیک و ضد انقلابی نفس کوچ اجباری مردم.

نتیجه عملی چنین سیاستی، این خواهد بود که مبارزه سرخستانه مردم برای مقاومت و ایستادگی در برابر خود کوچ و تن دادن به این سیاست ضد انقلابی و ضد بشری (چیزی که همواره توسط فعالین ما تبلیغ میشود و می شود) تا حد مبارزه برای "محل مشخص برای آوارگان"، "طریقی برای زندگی و امر معاش آنها" و "جبران زبانها و خسارات وارده" تنزل پیدا کند. فرصت طلبانی که بنام مردم آلان و سویسنی پیش مقامات رژیم تظلم میکردند، اساساً همین خواستها را مطرح میکردند. این خواهنا خواه، مبلغ ناپیگیری در مقاومت در برابر کوچ و تمکین ضمنی بدانست. در حالیکه آنچه که توده های مردم باید بر آن پای فشارند دفاع از حق طبیعی خود در آزادی در تعیین اختیاری محل سکونت و مقاومت در برابر هر متجاوزی که این حق را پایمال کند، میباشد.



نگاهی به عملیات و نبردهای پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در سه ماهه تابستان ۶۳

در سه ماهه اخیر کردستان شاهد درگیریها و نبردهای سختی بود. رژیم جمهوری اسلامی، در این ماهها نیز اهداف استراتژیک خود را تعقیب میکرد و تنها حمايت تابستان او، بخشی از همان سياست و نقشه عمومی رژیم بر عليه جنبش خلق کرد بود. در سه ماهه تابستان، جمهوری اسلامی همچنان کوشيد تا مواضع خود را در محورهای اصلی و اطراف شهرها تحکيم کند و با گسترش شبکه پایگاههای نظامی، کنترل خود را بر مناطق تحت اشغال و بر سرسبزهای مبور و مرور نیروهای پیشمرگ بیشتر کند و قدرت حرکت و مانور پیشمرگان را محدود کند.

علیرغم تمام تلاشهای فداانقلابی جمهوری اسلامی، علیرغم وجود حدود ۲۰۰ هزار نیروی مسلحی که در درون چند هزار پایگاه نظامی مستقر کرده است، علیرغم اشغال مناطق و تمام تخیقاتی که جمهوری اسلامی علیه مردم انقلابی و پیشمرگان سوحد آورده است، نیروهای مادر سه ماهه گذشته بصورت متحرک در سرتاسر کردستان به فعالیت های سیاسی و نظامی خود مشغول بودند. نیروی پیشمرگ کومه له، توانسته است بصورت آرایش متناسب با شرایط جدید را خود بگیرد و فعالیت های نظامی خود را در اعماق مناطق اشغالی، در حدی حتی بیشتر از گذشته صورت دهد. نیروی استکبار و خلاقیت توده ها و واحدهای پیشمرگ کومه له در مناطق با شرایط جدید گار افتاده است و خواب و خیالهای جمهوری اسلامی در مورد تمام شدن کار جنبش کردستان باطل شده است.

حال رژیم در سطح دیگر موانع و مشکلات دیگری در مقابل با جنبش کردستان روبرو شده است. اینکه تمام تواناییهای خود را یکا ر گرفته و کردستان را به یک پادگان بزرگ نظامی تبدیل کرده است، اما نتوانسته است بر اراده مردم کردستان مسلط شود و مبارزه مسلحانه توده های رازبیشروی و حرکت باز دارد.

نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان، نقاط ضعف زیادی دارند. اما اساسی ترین نقطه ضعف آنها اینست که در سرزمینی می جنگند که دریایی از کینه و نفرت مردم آنها را احاطه کرده است، و در برابر جنگ تا عادلانه، ستمگرانه و فدا انقلابی او، مردمی قرار گرفته اند که برای بدست آوردن حقوق مسلم، انسانی و دمکراتیک خود مبارزه میکنند. در ۳ ماهی که گذشت کردستان انقلابی همچنان ناهدنبردهای گسترده و شدیدی بود که میان نیروهای اشغالگرو سرکوبگر جمهوری اسلامی از یک سو و پیشمرگان آرسوی دیگر، بی وقفه جریان داشت. در این ۳ ماه تاستان پیشمرگان رزمنده و خستگی ناپذیر سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در جریان نبردهای بزرگ و گسترده ای که با نیروهای جمهوری اسلامی داشتند، صحنه های شگوهمند دیگری از آسمان و استقامت را در برابر این رژیم ها رودرند. سوزواری به نمایش گذاشتند و در شرایطی که سرزمین کردستان در اشغال نیروهای دولتی است و شمار کثیری پایگاه، مقر و پادگان نظامی مستقر کرده است،

۲۲ فقره عملیات در داخل شهرها

• در تاریخهای ۴، ۶، ۸ و ۲۱ تیرماه، ۲۱ و ۲۱ مرداد، ۸ و ۱۴ شهریورماه پیشمرگان کردان ۲۲ مهاجمان را با راور دشمنها با شش تیربارانهای اصلی این شهر ضمن درهم کوبیدن مراکز نظامی رژیم چندی و واحد آنان را به دام انداختند.

• در تاریخهای ۸ مرداد، ۱۱ و ۱۹ شهریورماه پیشمرگان کردان ۳۱ بوکان ۳ بار وارد شهر بوکان شدند و ضرباتی بر نیروهای رژیم وارد نمودند. از جمله یکی از جاشهای منفور رژیم را بنام حاج مصطفی تجاری به هلاکت رسانیدند.

• در تاریخهای ۲۶ تیرماه و ۱۵ مرداد پیشمرگان کردان ۲۶ سقر ۲ بار وارد شهر سقر شدند و نیروهای دولتی در مراکز نظامی شان حمله کردند.

• در تاریخهای ۵ و ۱۵ تیرماه پیشمرگان کردان ۲ بار وارد شهر بانه شدند، در تعرض دوم پیشمرگان که منجر به نبرد ۷ ساعته با نیروهای رژیم شد تلفات سنگینی بر مزدوران وارد گردید.

• در تاریخهای ۶ و ۱۱ تیرماه پیشمرگان کردان شوان در داخل شهر سنج ۲ عملیات انجام دادند. در یکی از این عملیات یکی از حاشهای شرور و حانی رژیم بنام محمد امین که لانه‌ای به هلاکت رسید.

• در تاریخهای ۲۷ تیرماه و ۱۴ شهریور پیشمرگان کردان سردشت ۲ بار وارد شهر سردشت شدند. در عملیات اول رئیس شهر بانی شهر سردشت و رئیس آگهی این شهر همراه یکی دیگر از عوامل رژیم به اسارت پیشمرگان کومه له درآمدند.

• همچنین در تاریخ ۲۴ تیرماه پیشمرگان

ضربت بسیار سنگینی بر آنان وارد کردند. پیشمرگان کومه له در ایامت در ۲۵ عملیات بزرگ و کوچک علیه نیروهای جمهوری اسلامی شرکت کردند. از جمله ۲۲ بار وارد شهرها شدند و در مراکز تجمع و تمرکز نیروهای دولتی ضربت سختی بر آنان وارد کردند؛ ۶ فقره عملیات تعرضی بر مراکز نظامی و قرارگاههای رژیم انجام دادند و ۳ پایگاه و مقر آنان را تسخیر کردند؛ ۵۴ بار در جاده‌ها و مسیر رفت و آمد مزدوران اقدام به کمین‌گذاری نمودند؛ ۱۳ بار حمله‌ها را کنترل و به بازید و تومبیلها و سخنرانی برای مسافران پرداختند؛ ۱۸ فقره عملیات مین‌گذاری اجرا کردند؛ ۴ انبار دولتی را معادله انقلابی کردند و بیش از ۳ بار در برابر حملات گسترده و کمین‌های نیروهای رژیم مقاومتی حماسی را سازمان دادند.

در ایامت چندین گروه ضربت و گردان ویژه توسط پیشمرگان کومه له تماماً تا رومار گردیدند که از میان آنها میتوان به انهدام گروههای ضربت کامیاران و کرمانشاه و گروه ضربت "بله‌کی" از گردان صاحب الزمان، گردان زنده دل مکان و گروه ضربت سروآباد و... اشاره نمود.

میدان عملیات پیشمرگان کومه له در این ۳ ماه به وسعت سراسر کردستان از نزدیکی شهرهای کرد، پاوه و روانسر در ناحیه کرمانشاه، نزدیکی شهر سنقر و جنوب کامیاران تا نزدیکی شهر سلیمان در مرز ترکیه و از نزدیکی شاهیندژ و شرق شهر بوکان تا غرب کردستان بوده است. داخل شهرها، جاده‌ها، حواریادگان و پایگاهها و ماسین آنها و خطوط ارتباطی - مواصلاتی نیروهای رژیم محل تعرض بی‌دری و عملیات قهرمانانه پیشمرگان کومه له بوده است.

ما در اینجا بطور مختصره برخی از این مجموعه عملیات اشاره نسکیم:

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

گرفت و خسارات بسیار سنگینی برتا سمیات و استحکامات آنها وارد گردید و سلاح و مهمات زیادی نابود شد. غالباً این مراکز در داخل شهرها و حومه آنها مورد تعرض قرار گرفتند.

کمین‌گذاری و کنترل جاده‌ها

در طول این ۳ ماه پیشمرگان کومه‌له ۷۷ فقره عملیات از نوع کمین‌گذاری و کنترل جاده در حاده‌های بین شهری و جاده‌های روستایی انجام دادند. در اینجا به برخی از این نوع عملیات اشاره می‌کنیم:

• در تاریخهای ۱۵ و ۲۲ شهریورماه پیشمرگان گردان شوان در حاده‌سنندج - کرمانشاه اقدام به اجرای عملیات کردند.

• در ۳۱ تیر و ۱۴ مرداد پیشمرگان گردان ۲۲ ارومیه در حاده برادوست - سلماس در شمال کردستان نیروهای دشمن را مورد تعرض قرار دادند.

• در تاریخهای ۱۹ و ۲۲ شهریورماه، پیشمرگان گردان دالاهود روحالی کرد و روانسرا زتوابع کرمانشاه عملیات تهاشی بر علیه نیروهای دولتی انجام دادند.

• در تاریخ ۱۸ شهریورماه پیشمرگان گردان ۲۲ ارومیه در ۲۵ کیلومتری شهر سلماس در مرز ترکیه طی نبردی ۶ ساعته و قهرمانانه با مزدوران جمهوری اسلامی تلفات سختی بر آنان وارد کردند.

• در تاریخ ۲۴ تیر پیشمرگان گردان شاهو در حاده روانسر - کامیاران گروه‌های ضربت کامیاران و کرمانشاه را تار و مار کردند.

• در تاریخهای ۳۱ تیر و ۲ مرداد پیشمرگان گردان سامرند و گردان ۲۴ مهاباد در حاده مهاباد - پیسوه و در تاریخ ۲۵ شهریور پیشمرگان گردان ۲۴ مهاباد در حاده مهاباد - نقده بر علیه نیروهای رژیم چند عملیات انجام دادند.

• در تاریخ ۵ شهریور پیشمرگان گردان شوان در حاده سنندج - همدان گروهی گشتی و یک پایگاه

گردان شاهو در داخل شهر کامیاران و در تاریخ ۱۶ مرداد پیشمرگان گردان پیرا نشهر در داخل شهر پیرا نشهر عملیات انجام دادند.

تصرف مراکز نظامی رژیم

• در تاریخ ۶۳/۴/۱۷ پیشمرگان قهرمان کومه‌له از گردان کاک فواد طی عملیاتی که در هنگام روز انجام گرفت مقرنیروهای جمهوری اسلامی را در روستای "گاگل" واقع در ۲۵ کیلومتری شمال شهر میوان مورد تعرض قرار دادند و آنرا تصرف کردند.

• در تاریخ ۶۳/۵/۱ پیشمرگان گردان شوان طی عملیاتی متهورانه در روستای چالکان واقع در ۳ کیلومتری حاده اطلی سنندج - میوان پایگاه نظامی رژیم در این روستا را تسخیر کردند و ضمن از پای در آوردن تعداد زیادی از مزدوران یک انبار مهمات را به آتش کشیدند.

• همچنین در تاریخ ۶۳/۶/۲۰ پیشمرگان رزمنده گردان ۳۱ بوکان پایگاه بزرگ نیروهای رژیم را در داخل روستای "قلندر" واقع در شرق شهر بوکان که در میان چندین پایگاه و مقر بزرگ و کوچک و در ۲ کیلومتری پادگان بزرگ سدبوکان قرار دارد، طی عملیاتی پیروزمانده بطور کامل تصرف کردند. در این عملیات ۲۸ تن از افراد پایگاه به اسارت گرفته شدند و بقیه به هلاکت رسیدند و تمام سلاح و مهمات داخل آن به غنیمت پیشمرگان کومه‌له درآمد. این عملیات در شرایطی انجام گرفت که رژیم به نیروهای خود در سراسر منطقه اشغالی فیض الله بیگی آماده باش کامل داده بود و علاوه بر تمام نیروهای استقرار یافته اش در سطح منطقه، نیروهای ویژه‌ای را نیز در پادگان بزرگ "سد" متمرکز داده بود.

علاوه بر اینها در این ۳ ماه بیش از ۹۰ پایگاه و مقر نیروهای رژیم در داخل و حومه شهرها، در حاده‌ها و مناطق روستایی و کوهستانی زیر ضربات کوبنده و قهرمانانه پیشمرگان کومه‌له قرار

نظامی را زیر ضربات کاری خود قرار دادند .

• در تاریخهای ۲۷ و ۳۱ تیرماه ۱۳۰۱، ۱۶ و ۲۴ مرداد به پیشمرگان گردان پیرا نشهر و گردان سردشت در جاده سردشت - پیرا نشهر عملیات تهاقی علیه مزدوران دولتی انجام دادند .

• در تاریخهای ۱۵ تیر و ۱۸ شهریور به پیشمرگان گردان آرزو در جاده کاهک مباران - مریوان و در تاریخهای ۲۹ مرداد و ۱ شهریور به پیشمرگان گردان سارمند در جاده ارومیه - اشنوبه چند طرح عملیاتی را به اجرا درآوردند .

• در تاریخهای ۲۹ و ۳۱ تیر، ۱۱، ۱۲، ۱۹ و ۲۰ مرداد و ۱ و ۲ شهریور به پیشمرگان گردان نهایی آریز، شوان، نه که روز و کاک فواد در قسمت های مختلف جاده مریوان - سنندج چندین عملیات بزرگ و کوچک انجام دادند .

• در تاریخهای ۲۰ تیر و ۱۴ مرداد به پیشمرگان گردان ۲۶ سقز در جاده بانه - سقز و در تاریخهای ۱۲، ۱۳ و ۲۶ مرداد و ۱، ۲ و ۳ شهریور به پیشمرگان گردان نهایی ۲۶ سقز و کاهک در جاده سقز - سنندج واحدهای متعددی از نیروهای جمهوری اسلامی را به دام انداختند .

• در تاریخهای ۹ تیر، ۱۶ و ۲۱ مرداد و ۲۶ شهریور به پیشمرگان کومه له در جاده سقز - مریوان و در تاریخهای ۲۷ و ۲۹ تیر به پیشمرگان گردان ۳۱ بوکان در جاده های بوکان - مهاباد و بوکان - سد چندین بار نیروهای دولتی را مورد تعرض قرار داده و به کمین انداختند .

• در روزهای ۱ و ۲ تیر، ۱۲ و ۱۸ مرداد ۱۳۰۱، ۲۶ و ۲۷ شهریور به پیشمرگان گردان نهایی بانه و سردشت در جاده بانه - سردشت و در روزهای ۲۰ و ۳۰ تیر ۱۱، ۱۲ و ۱۵ و ۲۲ مرداد و ۴ و ۵ شهریور به پیشمرگان گردان نهایی سردشت و پیرا نشهر در جاده سردشت - پیرا نشهر بارها مزدوران رژیم را به دام انداخته و مورد حمله قرار دادند .

آنچه در این جا قابل توجه است آن است که این

عملیات تهاق در عملیات انعام شده اند که اطراف آنرا دهها پایگاه نظامی احاطه کرده است . اما علیرغم این پیشمرگان کومه له خود را با شرایط جدید تطبیق داده و بیوقفه اقدام به اجرای این عملیات تهاق کرده اند . بعضی از این کمین ها مسافت ۵، ۶ و ۷ کیلومتر از جاده ها را در بر گرفته بود . سرعت عمل و مهارت در طرح ریزی دقیق عملیات یکی از نقاط قوت پیشمرگان کومه له در این نوع عملیات تهاق بوده است .

نبردهای گسترده و قهرمانانه پیشمرگان کومه له در شمال کردستان، بخش سوبی سردشت، بخشهای گه ورک و فیض الله بیگی در منطقه مکریان، نبرد - های مسر حاده سنندج - مریوان، نبرد بزرگ و حماسی روستای باوه ریز در شرق سنندج و نبرد قهرمانانه مسر حاده سنندج - کرمانشاه، نبردهای پیشمرگان کومه له در بخش سورگیسو بانه، نبرد قهرمانانه روستای خانه با در نزدیکی کامیاران و جنگ شدید پیشمرگان گردان دالاهو در ناهیه کرمانشاه که بعضی از آنها با اعتهای متمادی جریان داشت، همگی صحنه های شگوهمندی از ایمان و استقامت و بایاداری و روحیه غستگی نا پذیرگی پیشمرگان کومه له را در برابر نیروهای جمهوری اسلامی از خود به یادگار گذاشته اند .

عملیات تهاق نظامی فوق نتیجه انطباق تاکتیکها و آرایش نظامی پیشمرگان با شرایط جدید - یعنی شرایط اشغال کامل کردستان - اکثرا با موفقیت انجام شدند، رژیم در آنجا و در آن شرایطی توانست ضرباتی را بر ما تحمیل نماید که در انطباق با شرایط جدید یعنی آرایش مناسب و بکارگیری اصول جنگهای پارتیزانی، از سوی رفقای ما تعلل و سستی شده بود .

دوم شهریور ماه، مزدوران رژیم جنگی سخت و نا برابر و طولانی را بر تعدادی از پیشمرگان ما در ناحیه کرمانشاه (ثلاث و باوه حانی) در کمین به نام دولی ده ری تحمیل کردند . گرچه رفقای ما - در این نبرد تحمیل شده - اوج فداکاری و جان نوازی

کلاشینکوف، ۲ قبضه اسلحه قناسه، ۳ قبضه تیربار
ژ-۳ و یک قبضه نارنجک انداز.
ملاوه براین ۴۶۴۴۰ مدد فشنگ، ۶۳۵ مدد غشاب،
۶۳ گلوله، خمپاره انداز، ۴۶ گلوله آر.بی.بی.جی،
۲۰۱ مدد نارنجک و ۱۰ دستگاه بیسیم پی.آر.سی
۷۷ و مقادیر زیادی اسناد و مدارک مصرمانه به
دست پیشمراگان افتاد.

در همین مدت ۱۵ تن از سربازان و افراد مسلح
رژیم با سلاح و مهمات از صفوف نیروهای سرکوبگر
فرا رگرده و خود را به پیشمراگان کومه له معرفی
کردند.

شماری از زنان و مردان زحمتکش صفوف پیشمراگان کومه له پیوستند.

در این ۳ ماه سی و ششمین، سی و هفتمین و سی و
هشتمین دوره آموزش سیاسی - نظامی مرکز آموزش
منطقه جنوب کردستان، نهمین، دهمین و یازدهمین
دوره آموزش سیاسی - نظامی مرکز آموزش منطقه
مکریان و دهمین، یازدهمین و دوازدهمین دوره
مرکز آموزش سیاسی - نظامی منطقه سرسنور با
موفقیت بسیار رسیدند.

در مجموع این دوره ها شمار قابل توجهی از
زنان و مردان زحمتکش و جوانان انقلابی پس از
گذراندن دوره های آموزشی مسلح شدند و به صف
پرافتخار پیشمراگان کومه له پیوستند.

مراکز آموزش کومه له در مناطق مذکور در پایان
دوره های خود با صدور اطلاعیه هایی برای پیوستن به
صفوف پیشمراگان کومه له به کارگران و زحمتکشان
و جوانان انقلابی فراخوان دادند.

۶۰ تن از اسیران جنگی از زندان کومه له آزاد شدند.

طی ۳ ماه تابستان اعمال بر اساس سیاست
اصولی و انقلابی کومه له در برخورد با اسیران
جنگی بویژه سربازان و افراد درده های پائین
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، جمعا ۶۰ تن از
بقیه در صفحه ۳۶

را بنمایش گذاشتند، اما بعلمت عدم رعایت اصول
ابتدائی جنگهای این دوره - رژیم توانست به
ماضیه بزند و ۱۰ تن از زرمنده ترین پیشمراگان
ما را بشهادت برساند.

همان موقع کمیته مرکزی کومه له در پیام
تسلیمت خود؛ خطاب به رفقای کمیته ناحیه
کرمانشاه و پیشمراگان گردان دالاهو، متذکر
شد که:

"آنچه که در دوام شهر پیورماه درد و لسی ده ری روی
داد در حقیقت نه نشانه توان و کارائی نیروهای
دشمن، بلکه در نتیجه بی احتیاطی و سهل انگاری
رفقای ما به وقوع پیوست، علت آن این بود
که متاسفانه در این نبرد اصول ابتدائی
جنگهای دوره کنونی رعایت نشده بود.

تمام صفوف پیشمراگان کومه له باید درس ها و
تجربه های این رویداد تلخ را به راهنمای خود
تبدیل کنند و سطح آگاهی و دانش نظامی خود
را در مورد مسائل مربوط به جنگهای دوره کنونی
پیشمراگان، ارتقاء دهند و اجازه ندهند دشمن
مرتجع با استفاده از بی احتیاطی ها و اشتباهاتشان
بر آنان ضربه وارد آورد".

تلفات دشمن و غنائم بدست آمده

در جریان عملیات و نبردهای ۳ ماهه تابستان
پیشمراگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
(کومه له) بر علیه نیروهای جمهوری اسلامی،
بالغ بر ۱۲۸۰ تن از مزدوران دولتی کشته و
زخمی شده و ۱۱۱ تن از آنان به اسارت درآمدند.
همچنین تعداد ۶۰ دستگاه خودرو نظامی و دولتی
آنان در جریان نبردها و حملات پیشمراگان کومه له
منهدم و یا به آتش کشیده شده است.

غنائمی که در این مدت بدست پیشمراگان کومه له
افتاد است بدین قرار است:

۱۵۸ قبضه اسلحه سنگین، نیمه سنگین و سبک شامل:
۱ قبضه تفنگ ۱۰۶، ۱ قبضه خمپاره انداز ۸۱، یک
قبضه مسلسل سنگین کالیبر ۶۸، ۵ قبضه آر.بی.بی.جی
۷، ۸۶ قبضه تفنگ ژ-۳، ۵۸ قبضه تفنگ

کردستان انقلابی و سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

"جواردیوار" و "باغچه" از توابع بخش "ترغه"، دو روستا در بخش "جومحیدخان" و همچنین در روستای "تازه‌قلا" در محور مهاباد - بوکان و روستای "گردی قه‌بران" در ۲۰ کیلومتری جاده بوکان - مبادوآب مراسمی با شرکت اهالی زحمتکش برپا شد.

در ناحیه ارومیه، مراسم جشن سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران، در دوروستا به اسمی "باوان" و "زنگه‌کان" واقع در بخشهای "سوما" و "که‌ناربه‌روز" برپا شد.

در ناحیه سانه، مراسمی در یکی از روستاهای مسیر جاده سانه - سقز برگزار شد.

در ناحیه مهاباد نیز، یکی از روستاهای بخش بالتمر، شاهد برگزاری مراسم بود.

در شب یازدهم شهریورماه، سرقله‌های مشرف بر شهرهای مهابادوبانه، به نشانه گرامیداشت، این روز، آتش افروخته شد که شعله‌های آن تا اواخر شب از داخل این شهرها مشاهده میشد.

* * *

بمناسبت سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، پیشمرگان کومه‌له عملیات‌های نظامی متعددی علیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی صورت دادند.

روزدهم شهریورماه چندواحد از پیشمرگان گردان ۲۶ سقز وارد شهر سقز شدند و نقاطی از شهر را تحت کنترل خود درآوردند و اعلامیه‌ها و نشریات حرس را در زمین مردم بخش کردند.

در همین عملیات، یک واحد دیگر از پیشمرگان یک قرارگاه نیروهای رژیم موسوم به مقرخانیا را زیر آتش سلاح‌های خود گرفتند و تلفاتی سزمدورار وارد ساختند.

روز یازدهم شهریورماه، واحدهایی از گردان ۲۱

یازدهم شهریورماه، روز جشن کارگران آگاه ایرانست. یکسال پیش در چنین روزی حزب کمونیست ایران بنیانگذاری شد.

اگر کارگران آگاه ایران بعزت شرایط اختناق سیاه جمهوری اسلامی، نتوانستند در یازدهم شهریور ماه سالگرد تأسیس حزب کمونیست را با برپایی مراسم‌هایی جشن بگیرند، در کردستان انقلابی مراسم متعددی برپا گردید. همچنین، بمناسبت سالگفت تأسیس حزب، پیشمرگان کومه‌له عملیات‌هایی علیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را به اجرا درآوردند.

در یکی از مراسمی که به این مناسبت و با شرکت صدها تن از پیشمرگان کومه‌له و مردم زحمتکش برپا شد، رفیق خسرو داور، عضو دفتر سیاسی حرس کمونیست ایران حضور یافت و پیرامون اهداف حزب کمونیست، اهمیت تشکیل این حزب و نقش حزب کمونیست ایران در راهی کارگران و زحمتکشان سخنانی ایراد کرد، که بخش‌هایی از این سخنرانی از رادیو صدای انقلاب ایران پخش گردیده است.

در همین مراسم، رفیق جعفر شفیع عموکمینه کمیته مرکزی حزب کمونیست و عضو کمیته مرکزی کومه‌له سخنانی پیرامون نقش حزب کمونیست در ارتقاء، گسترش و به‌پیروزی رساندن جنبش انقلابی کردستان، بیان داشت. این مراسم با نمایش "زنده باد حزب کمونیست ایران" که از سوی گروه تارکومه‌له تهیه شده به اجرا درآمد و با اجرای سرودهای انقلابی پایان یافت.

بمناسبت سالروز تأسیس حزب، مراسم متعددی نیز از سوی کمیته‌های نواحی و بخش‌ها و با شرکت زحمتکشان برگزار گردید.

در ناحیه بوکان، در روستاهای "قه‌ره‌لسی"،

آمدند و رفقای ما، در مورد اهداف حزب کمونیست ایران و اولین سالروز تأسیس حزب برای مسافران صحبت کردند.

در جریان این عملیات ستون نظامی جمهوری اسلامی که به محل عملیات گمبیل شده بود زیر آتش سلاحهای پیشمرگان قرار گرفت و تلفاتی برمی‌وزان وارد شد.

در ناحیه ارومیه، در شبهای دهم و یازدهم شهریورماه، دو پایگاه نظامی رژیم مورد تعرض پیشمرگان گردان ۲۲ ارومیه قرار گرفت و به نهب و هارهای مستقر در این پایگاهها که در روستای "کاشک و تک" در نزدیکی جاده ارومیه - ترکبه و روستای "چری" واقع در بیست کیلومتری شهر ارومیه واقع بودند، تلفاتی وارد شد و تاسیسات آنها نیز خساراتی دید.

در ناحیه بان نیز، روزیازدهم شهریورماه، مقر مزدوران جمهوری اسلامی در روستای "منجه لان" مورد تعرض یک واحد پیشمرگان گردان بانسه قرار گرفت و یکی از ساختمانهای پایگاه آتش گرفت.

در این عملیاتها هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نشد و پس از هر عملیات، رفقای ما سالم به پایگاههای خویش بازگشتند.

بمناسبت سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران، همچنین ۱۵ نفر از اسرای جمهوری اسلامی از زندان کومه له آزاد شدند.



بوکان و اردشهر بوکان شدند و بخشی از شهر را تحت کنترل خود درآوردند. مردم مبارز این محله که از عضو پیشمرگان مطلع شده بودند به استقبال آنان آمدند و رفقای ما در مورد اهداف و سیاستهای حزب کمونیست ایران و نقش این حزب در مبارزه طبقاتی و انقلابی، برای مردم صحبت کردند و اقدام به بحث و نشریات حزبی نمودند در همین عملیات یکی از مقرهای اشغالگران جمهوری اسلامی در شهر بوکان مورد حمله پیشمرگان واقع شد و خسارات و تلفاتی بر مزدوران وارد آمد.

شب چهاردهم شهریورماه، چند واحد از پیشمرگان گردان ۲۲ مهاباد و اردشهر مهاباد شدند و بخشی از شهر را به کنترل خود درآوردند. رفقای ما در رابطه با سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران برای مردم صحبت کردند و اهداف این حزب را برای آنان توضیح دادند. در این عملیات نیز، مقر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی موسوم به توانیر محمودی زیر آتش سلاحهای پیشمرگان گرفته شد و تلفات و خساراتی به مزدوران وارد شد.

پیشمرگان گردان ۲۶ سقز، در عملیات خود بمناسبت سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران دوبار، در روزهای دهم و سیزدهم شهریورماه جاده سقز - سنندج را به کنترل خود درآوردند. این دو عملیات در ۱۰ کیلومتری شهر سقز و در فاصله دو پایگاه نظامی جمهوری اسلامی انجام گرفت.

مسافران با شور و شوق زیبا دیگر در پیشمرگان جمع

بقیه از صفحه ۲۴

این اسیران از زندان کومه له آزاد شدند. این افراد در مدتی که در اسارت کومه له بودند در دوره ها و کلاسهای مختلف آموزش سیاسی شرکت کرده و با حقایق جنبش انقلابی و عادلانه خلق کرد و سیاستهای انقلابی کومه له و همچنین ماهیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی آشنايي پیدا کرده بودند.



بزرگداشتی از رفیق فواد



اینروست که یاد او زنده میماند؟

من که در این چندسال بعنوان یک دوستدار فواد تلاش کرده‌ام او را از خلال گفته‌های یاران دور و نزدیکش بشناسم، برای خود پاسخ‌هایی - هرچند ناقص - یافته‌ام. اینک در پنجمین سالگرد شهادتش بخود اجازه میدهم که به نشانه بزرگداشت فواد به گوشه‌هایی از خصوصیات سیاسی این انقلابی کبیر، آنطور که من شناختم‌ام، اشاره‌ای بکنم. خصوصیات که به زعم من او را رهبری زنده، متعلق به مارکسیسم انقلابی و الگوسرمشق امروز وفاداری حزب ما میسازد.

مشق و ایمان به توده‌ها نخستین چیزی است که نام فواد در ذهن ندایم میکند. مشق او به کارگران و زحمتکشان بسیار رفتار از دل‌سوزی و همدردی او مانعیست. این مشق یک انقلابی است که در جهانی که بر پایه رنج، ستمکشی و تباهی انسان‌های زحمتکش و شریف بنا شده نمیتواند آرام بگیرد. برای یک انقلابی چون فسواد،

کاک فواد را دور دور دیده بودم. اما هیچگاه از نزدیک و در یک رابطه سیاسی او را نمیشناختم. پس از شهادتش در شهریور ۵۸، فواد بعنوان رهبر برجسته کومه له و سمبل انقلابیگری در قلب هزاران کمونیست و انقلابی ایران مکان ویژه‌ای یافت. ارادت به کاک فواد برای من نیز این چنین آغاز شد. نخستین بار که به کردستان آمدم دوسالی از شهادت او میگذشت، اما رفقای چنان از او یاد میکردند که گویی از رهبر رفیق زنده‌ای سخن میگویند. هنوز نیز چنین است. نام فواد - و به فقط در صفوف حزب کمونیست یا در کردستان - مترادف جسارت، از خود گذشتگی و پیگیری انقلابی است. در میان مدها شهید کمونیست فواد مکانی استثنایی دارد. او جاودانه شده است. اما به راستی رمز این جاودانگی در چیست؟

واقعیت اینست که در این پنجسال، دگرگونی‌های بسیاری در کومه له رخ داده است. نقد پوپولیسم، مبارزه و پیروزی مارکسیسم انقلابی در کومه له - نقطه عطفی که تشکیل حزب کمونیست را ممکن کرد - در تاریخ سیاسی ایران تحولی بسیار بقیه است. تجارب، دستاوردها و تحولات پیاپی در پنجسال اخیر اکنون چهره‌ای به کومه له بخشیده که اندک شباهتی به دوره‌های پیشین دارد. اما علیرغم اینها، کاک فواد رهبری متعلق به دورانی سپری شده نیست. من خود شاهد بوده‌ام که رفقای قدیمش چگونه در لحظات تصمیم‌گیری‌های دشوار او را در کنار خود حس میکنند: "کاک فواد در چنین موقعیتی چه میکرد؟ کاک فواد اینکار را چگونه انجام میداد؟" عکس کاک فواد هنوز زینت بخش هر مقررات است. و یاد فواد همه جا عزیز و محترم است. بر راستی چرا؟ آیا این صرفاً رسم و آئین تحلیل تاریک رهبر شهید است؟ یاد فواد ویژگی‌هایی است که او را متعلق به دوران ما میکند و از

در کشاکش خیزشهای توده‌ای در کردستان، وظیفه حفظ و گسترش تشکیلات کمونیستی هیچگاه تابع افت و غیره‌های مبارزه قرار نگرفت. اما افق دید و چشم انداز مبارزه، فواید تشکیلات و سازمان محدود نبود. چراکه امکان تشکیلات را بدرستی بعنوان ابزاری برای دخالت و تاثیر گذاری نیرومند در مبارزه سیاسی و انقلاب میدانست. گروه، سازمان و حزب بهر حال ابزار کار یک انقلابی است برای پرداختن به هدف اصلی، به مبارزه. تشکیلات ابزاری است برای آگاهگری، سازماندهی و رهبری توده‌ها؛ برای تاثیر - گذاردن در مبارزات محلی و حاضر و تعیین سمت و سوی آنها. تشکیلات ابزاری است برای پرداختن سرنوشت انقلاب، و... فواید اهمیت تشکیلات کمونیستی را بسیار خوب درمی یافت. در حفظ خلوص و استحکام تشکیلات بسیار سختگیر بود و تشکیلات خود را بسیار دوست میداشت. اما تشکیلات برای او هیچگاه هدفی در خود نبود، و کاک فواد از هرگونه تعصب سکتاریستی، از هر نوع مقدم شمردن منافع تشکیلات بر منافع جنبش توده‌ها مبرا بود. چراکه چون هر انقلابی کمونیست، نردان و تشکیلات منافی جدا از منافع توده‌ها، و ضرورت حکمتی جری‌هایی توده‌ها نداشت. او تشکیلات خود را دوست میداشت، از آن رو که ابزار راهرم او بود برای شکل دادن و پیش بردن جنبش کارگران و زحمتکشان، جنبش ستمدیدگان و تهیدستان. او تشکیلات خود را به تمامی وقف این کار کرد.

جنبش بود که در میان ناساوری و هیبرت سازمانهای سکتاریست خرده بورژوا، اما عریض و طویل پس ارقام، و در میان بغض و انکار احزاب سابقه دار سراسری و محلی، کومه له طرف مدت کوتاهی پس از علنی کردن موجودیت خود، تبدیل به یک سازمان توده‌ای و دی نفوذ شد؛ و فواد از یک کار در رهبری یک سازمان کمونیستی "کوچک" و محفی، به یک رهبریسابقه در تاریخ طولانی جنبش خلق کرد بدل گشت.

زندگی چه معنا و هدفی میتواند داشته باشد اگر یکسره وقف مبارزه برای پایان دادن به اینس خوارها و تیره روزی‌ها نگردد؟ وجه چیزی شیرین تر از زیستن در کنار چنین مردمی، و شریک بودن در رنج و مبارزه آنان میتواند باشد؟ فواد هیچگاه جزبوی و بیهودگی در زندگی خرده بورژوازی چیزی ندید و هیچگاه نمیتوانست آن "انقلابی" را که توده‌ها از پارتیک سیاسی و دستگاه فکری اش غایب اند جدی بگیرد.

اگر یک چیز در فواد نیرومندتر از عشق به زحمتکشان بود، ایمان او به نیروی لایزال آنان بود. برای فواد انقلاب توده‌ها یک واقعیت محسوس بود که به استدلال و اثبات تئوریک احتیاجی نداشت. او شک نداشت که تهیدستان و ستمدیدگان نه تنها میتوانند بسیار خیزند و روزی بر خواهند خاست بلکه همواره برای کسب حقوق عادلانه خود، برای ایجاد تغییر در این وضعیت نکبت بار در مبارزه‌ای آشکار یا پنهان هستند. ایمان او به توان و غلابیت زحمتکشان بود و به اینکه توده‌ها حقیقت منافع خود را بازمیشناسند. از آن دسته سیاستمداران نبود که توده‌ها برای آنها "عاملی" هستند که میتواند در این یا آن حرکت سیاسی بر روی آنها "حساب" کرد یا نکرد، به آنان "انکا" کرد یا نکرد. فواد خود تجسم تکاپو و مبارزه زحمتکشان برای رهایی بود. هدف و حقیقتی جز منافع و رهایی زحمتکشان نمی شناخت و در همه حال مدافع پیگیر حقیقت و بیکارگر راه هدف خویش بود.

فواد کمونیست بود، به ارزش و اهمیت تشکیلات بخوبی آگاه بود. او و معدودی همزمانش، چه در سال ۴۸ و چه در نخستین سالهای دهه پنجاه که مشی چریکی در اوج رونق برازدها، بسیاری از انقلابیون ایران سایه افکنده بود، در پی ریزی و حفظ و گسترش یک تشکیلات محفی کمونیستی (کومه له آینه) ذره‌ای تردید نداشتند. پس از آن نیز، چه در گرما گرم انقلاب ۵۷ و چه پس ارقام سهم و

موضعگیری، ورزشمندی درعرصه مبارزه سیاسی است. درتمام مقاطع مهم مبارزه، بویژه از آغازانقلاب ۵۷ و حادث شدن مبارزه طبقاتی، فواد یک طراح برجسته و محرری کم نظیر سیاست‌ها و تاکتیکهای روشن و بُرّای پرولتری بود.

مبارزه برای ایجادصف مستقل، و بیان منافع مستقل کارگران و زحمتکشان کردستان در قبال بورژوازی کرد دردرون یک جنبش ملی، یکی از نمونه‌های ارزندهٔ اتحادسیاست پرولتری و کمونیستی توسط فواداست. درکردستان، مبارزه برای کسب حقوق ملی از تاریخی طولانی برخوردار است. اما یک ویژگی جنبش نوین خلق کرد، تفکیک و تمایز طبقاتی دردل این جنبش ملی و حضوررهبری طبقه کارگردرآنست. این امر به تمامی مدیون کومه‌له است؛ فواد نقش مهمی درپایه‌ریزی این سیاست‌ها ایفا کرد.

هدانقلاب جمهوری اسلامی ازیدوروی کارآمدن خویش تا به امروز، درکردستان خود را رودروی توده کارگران و زحمتکشانی یافته است که حاکمیت وراگردن نمیکذارند و برای بدست گرفتن زمام سرشوت خویش آماده، مقاومت و مبارزه‌ای خونین اند. چه در اوج توفیق خویش درموافقتی و متوقف ساختن و بازگرداندن امواج انقلابی توده‌ها در "نخستین بهار آزادی": چه هنگام اشتباهات، تزلزل و غیانت سازمانهای چپ خرده بورژوا و بورژوا درماجرای اشغال سفارت و نمایشات "خدا مهربالیمستی" و بهام خمینی به خلق کرد، یادرتول جنگ با عراق و بالا گرفتن تب "دفاع از میهن": و چه در اوج سرکوب و فرمانروایی حواریان و تمکین پس از خرداد ۶۰، رژیم جمهوری اسلامی درکردستان، سنگر تسخیر نا پذیر انقلاب ایران را دیده است، جنبش انقلابی خلق کرد، مشعل انقلاب را در تمام این فوار و نشیب‌ها همچنان روشن نگاه داشته است. و با قاطعیت با بدگفت‌های جنبش بدون کومه‌له و بدون فواد! امکان پذیر نمیشد.

فواد بلند نظر و بلند همت بود و این همه راه سبب ایمان کاستی نا پذیر به توده‌ها داشت. او چیزی کمتر از یک جنبش عظیم توده‌ای را نمیدید و نمیخواست. سازماندهی به کیه تی جوتیاران، کوچ مریوان و... تنها بارقه‌هایی از جنبش توده‌ای عظیمی بودند که فواد یک عمر رویایش را داشت. سرانجام در ۲۸ مرداد ۵۸ فواد این مجال را یافت تا طلبه‌های چنین جنبشی را چشم ببیند. فواد از شروع جنبش مقاومت دوازده روز بیشتر زنده نماند، اما شک نداشت که آتش مقاومتی که او خود نخستین شعله‌ها پیش را افروخته بود، سرا سر کردستان را فرا خواهد گرفت.

گذشته از منش شخصی کاک فواد، که می‌باید سز مشق و معیاری برای هر موضوع فعال حزب ما قرار گیرد؛ این خصوصیت سیاسی برجسته فواد یعنی معطوف بودن مدام به شکل دادن و پیشبردن جنبش توده‌ای کارگران و زحمتکشان از بنیادی ترین ویژگی‌های مارکسیسم انقلابی است. رهایی قطعی ستمکشان هزار طریق یک انقلاب پرولتری که میلیونها زن و مرد تهیدست و محروم سازنده آنند امکان پذیر نیست. اما انقلاب پرولتری و جنبش عظیم کارگران و زحمتکشان جز در صورت وجود حزب کمونیست ممکن نمیگردد، و حزب کمونیست بنوبه خود این رسالت را دارد که میلیونها کارگر و زحمتکش را برای مبارزه‌ای انقلابی سازمان دهد و رهبری کند. توده‌ای شدن، هر چه بیشتر توده‌ای شدن، و باز هم بیشتر توده‌ای شدن یگان‌راه رسیدن حزب ما به اهداف خویش است. شیوه برخورد کاک فواد به تشکیلات و رابطه آن با جنبش توده‌ای، میراثی است که حزب ما با یاد همیشه آنرا درخسود حفظ کند.

■

دیگر خصوصیت انقلابی فواد که اورایی هیچ شبهه‌ای از آن صف مبارزان انقلاب پرولتری و مارکسیسم انقلابی میبازد، روشن بینی، صحت

مردمی بخواهند تردید نکرد. او با سیاست خلق صلاح و "مرخص کردن" توده‌ها از صحنه انقلاب مقابله کرد، بر ضرورت تسلیح زحمتکشان پای فشرد و نخستین دستجات پیشمرگان زحمتکش را بنیان نهاد. فواد برای مشارکت هر چه وسیع‌تر توده‌ها در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش کوشید: با بازسازی ارگانهای آسیب دیده دولت بورژوازی مقابله کرد و از هر فرصتی برای سازمان دادن ارگانهای قدرت و اعمال اراده توده‌ای سود برد.

اما آنچه در مورد فواد برای استثنای سیاسی است، اینست که برای او هیچیک از سیاست‌ها و مواضعی که برشمرديم، در سطح فرمولبندی و شعار، در سطح کلی و عمومی مطرح نمیشد و باقی نمیمانند. تاکتیک و سیاست برای او مقولات ذهنی و پیچیده نبودند، بلکه از امور عملی روزمره بشمار میرفتند. فواد پیش از آنکه به فرمولبندی عام این شعارها بپردازد، معنای عملی آنها را در عرصه مبارزه طبقاتی در نظر داشت و آنها را بطور مشخص برای توده‌ها معنا کرده بود و مبارزه کارگران و زحمتکشان را در عمل تا تحقق این یا آن مورد رهبری کرده بود.

اینها که برشمرديم مواردی از سیاست‌ها و طرح و اتخاذ تاکتیکهای مبارزاتی و عملی هستند که نشان‌دهنده و نمونه موضعگیری پرولتری فواد در عرصه مبارزه طبقاتی و در قبال مسائل انقلاب می‌باشند. کوتاه‌بینانه نخواهد بود اگر به صرف دمکراتیک یا ملی بودن جنبشی، پنداشته شود اتخاذ موضع پرولتری و کمونیستی در آن ممکن نیست. و بهمان درجه اشتباه آمیز است چنانچه تصور شود یک شاخص لازم برای پرولتری بودن سیاست و تاکتیک اینست که نیروی اتخاذکننده آنها را عمدتاً پرولتاریا خود تشکیل دهد. این هر دو تفسیر از سیاست و تاکتیک پرولتری، نشان از درکی اکونومیستی و محدود از مبارزه پرولتری دارد. آنچه شاخص موضع پرولتری در سیاست و تاکتیک است تا نظربودن آنها بر تاسمین و تعقیب

از پیش از قیام بهمین، آنگاه که تب اتحاد و وحدت برای سرنگونی شاه، ایران را فرا گرفته بود، فواد و یارانش در کومه‌له دست اندر کار فعالیت سیستماتیک برای نشر اهداف راستیسن انقلاب، بیان خواسته‌های کارگران و زحمتکشان، ایجاد تشکل‌های توده‌ای و دمکراتیک، و افشاء مرتجعین و دوستان دروغین مردم در شهرها و روستاهای کردستان بوده‌اند.

نمونه دیگری از غلوس پرولتری سیاست‌های کاک فواد، موضعگیری در قبال رژیم جمهوری اسلامی است. از پیش از قیام بهمین، فواد موضع آشتی ناپذیر و قاطعی در قبال سردمداران آنتی جمهوری اسلامی داشت، و از بدو به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، فواد مبارزه علیه این رژیم ضد انقلابی را در اشکال مختلف آغاز کرد. زمانیکه سازمانهای چپ خرده بورژوا در تعطیل ماهیت رژیم جدید جناح‌های مرفقی، بورژوازی "ملی"، فدا مهربالیست، خرده بورژوازی انقلابی، و... را می‌یافتند؛ با خمینی را رهبر کپه‌روقتا شد اعظم میخواندند. و پاسداران اسلام را معمول و دستاورد قیام توده‌ها میدانستند؛ زمانیکه تضاد عمده را با امپریالیسم یا ضدانقلاب مفلوب تعیین میکردند؛ یا توجه توده‌ها را به "عطر" بازگشت سلطنت و توطئه‌های امپریالیست‌ها جلب میکردند؛ زمانیکه اوج "رادیکالیسم" سازمانهای خرده - بورژوا در "برخورد دوگانه به رژیم" خلاصه میشد؛ فواد سازش ناپذیر و بی‌تزلزل علیه این رژیم قدبرافراشت. هیچ "ثخوری" و "تحلیلی" نمیتوانست این حقیقت را برای فواد مخدوش کند که معیار و محک ترقی خواهی، مبارزه ضد امپریالیستی، و انقلابیگری همانا مبارزه برای اهداف کارگران و زحمتکشان، پای فشردن بر خواست‌ها و منافع آنها، تلاش و مبارزه برای افزایش آگاهی و قدرت متشکل توده‌ها، و تکیه کردن بر اراده مستقیم آنان است. فواد یک لحظه در اینک رژیم جمهوری اسلامی را ضدانقلابی و ضد

مبارزه طبقاتی زنده است. حضور دائمی در عرصه مبارزه، رهگشودن ازدل اوضاع و شرایط جاری، ازدل مبارزات و جنبش‌های انقلابی زنده و حاضر بسوی انقلاب و سوسیالیسم - اینست معنای رزمندگی طبقه‌ای که در موقعیت تحت استثمار و ستم مدام این جامعه، کربزی از بهیکار مداوم تا پیروزی نهایی ندارد. انقلابیون پرولتری، نگاهبانان اصول شریعت "تئوری مارکسیسم" نمیتوانند باشند، بلکه رزمندگان هستگی - ناپذیر عرصه مبارزه طبقاتی اند. تئوری تنها به مثابه راهنمای عمل - راهنمای عمل انقلابی - در مارکسیسم انقلابی جایگاهی دارد. و تئوری مارکسیسم از آنرو در مارکسیسم انقلابی جایگاه والایی دارد که مبارزین راه‌های پرولتاریا را بعمل انقلابی رهنمون میشود.

گرچه فواد (و این دربارۀ دورانی از فعالیت کومه‌له نیز صادق است) بر اصول سرنامه‌ای و تئوری‌های تماماً مارکسیستی اتکا نداشت، اما عظمت او در این است که در تمام مقاطع حساس انقلاب نسبت به تمام مغفلات مبارزه، بدون کوچکترین تزلزل و سازش با بورژوازی، موضعی پرولتری اتخاذ کرد و آسرا به‌جا مه‌عمل در آورد. یادآوری این حقیقت شاید عالی از فایده نباشد که در تاریخ جهانی جنبش طبقه کارگر، بسیارند مواردی که مرزبین مارکسیست‌های انقلابی و فرصت‌طلبان (بلشویک‌ها - منشویک‌ها در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه)، مرزبین مارکسیست‌های انترناسیونالیست و شونبیست‌ها (بلشویک‌ها - انترناسیونال ۲ در آغاز جنگ جهانی اول)، و مرزبین انقلابیون پرولتری و فاشیست‌ها به طبقه کارگر (اسپارتاکیست‌ها - سوسیال دمکرات‌ها) در انقلاب آلمان) نه بر اساس تفاوت‌ها و اختلافات تئوریک و برنامه‌ای بلکه بر مبنای خطوطا کنیکی مختلف ترسیم شده است.

نام کاک فواد بعنوان یک رزمنده پرولتری در تاریخ انقلاب ایران و تاریخ جنبش انقلابی

منافع پرولتاریا در مبارزه طبقاتی یعنی ناظر بودن تاکتیک و سیاست بر ایجاد شرایط مساعد پیشرفت و تعمیق مبارزه طبقاتی پرولتاریاست. به این اعتبار، فواد از بینتاران پرولتاریا و از هرچمداران مبارزه سیاسی پرولتاریا در انقلاب ۵۷ تا زمان شهادتش بود. ارزنده‌ترین کار او در این زمینه آخرین اقدام سیاسی او بود، یعنی پی افکندن جنبش مقاومت در ۲۸ مرداد ۵۸، جنبشی که مسیر روبه‌افول انقلاب ایران را تغییر داد. او از مزه رهبرانی بود که بی‌تامل به مقاومت و مبارزه مسلحانه در برابر این پورش دست زد. فواد چون یک رهبر کبیر، درست‌ترین لحظات خود پیشکام عمل بود. او از نخستین کسانی بود که سلاح برگرفت و سرانجام نیز در کسوت پیشمرگی و تفنگ در دست، در نبرد رودر رو و نابرابر به خاک افتاد.

به اعتبار این ویژگی، یعنی موضعگیری پرولتری در عرصه سیاست و تاکتیک نیز فواد به مارکسیسم انقلابی تعلق دارد. آری این حقیقتی است که مارکسیسم انقلابی ایران تا اواسط سال ۵۸ هنوز موجود بود، و فواد خود نیز در حیاتش بر مبنای برنامه‌ای و تئوریک خالص مارکسیسم انقلابی دست نیافت؛ (به این معضل پائین‌تر باز خواهیم گشت). اما فواد یک رزمنده پرولتری در عرصه مبارزه و عمل بود و به این اعتبار قطعاً متعلق به مارکسیسم انقلابی است. چرا که استواری بر اصول برنامه‌ای و تئوریک یکسره مارکسیستی گرچه یک خصوصیت جدایی‌ناپذیر مارکسیسم انقلابی است، اما غلظت‌نمای آن نیست. در تاریخ کمونیسم جهانی پیونده اند جریان‌هایی که حفظ خلوص تئوریک و اصول رایگانه رسالت خود قرار داده اند ولی سرانجام یک فرقه غیر سیاسی آر آنها پیش‌نمانده است. فرقه‌ای هر چند اصولی، اما بهر حال یک فرقه و منزوی از مبارزه. مارکسیسم انقلابی یک جریان اجتماعی است و غلظت‌نمای آن رزمندگی پرولتری در عرصه

خلق کردتست شده است ، و به این معنا فواد از پیشقراولان مارکسیسم انقلابی ایران است .

■

اما این معضل باقی میماند که اگر فواد را به اعتبار خصوصیات که برشمردیم میتوان متعلق به مارکسیسم انقلابی دانست ، در زمینه تئوری دیگر نمیتوان همین حکم را داد . برعکس بنظر می آید در این زمینه فواد با اصطلاح یک "پوپولیست" است . بیشک فقدان تئوری بی‌شائبه مارکسیستی کمیودی است که سیمای سیاسی فواد را محدود میکند . اما تمام عظمت فواد در این است که او هیچگاه اسپر این محدودیت نشد . نارسایی در تئوری ، در مقایسه با انقلابیگری او در عمل ، تنها عمق و اصالت ایدئولوژی کمونیستی او را مریان میکند ، که ملیرفم چنین کمیودی توانست به چنان روشن بینی و انصاف سیاسی دست یابد ، کاک فواد کمونیست بود ، و در زمینه تئوری ، بهمان معنای محدودی که تئوری های متداول در جنبش کمونیستی آن دوران را میتوان کمونیستی خواند . به عبارت دقیقتر فواد در تئوری پوپولیست بود ، اما تئوری های پوپولیستی مکان مهم و تعیین کننده ای حتی در تفکر سیاسی او اشغال نمیکرد . کاک فواد از آن دسته انقلابیونی بوده که مبارزه طبقاتی و انقلاب برای آنها مبدا حرکت است ، نه تئوری . برای کاک فواد "مبارزه کردن" در ادامه بررسی ها و تحلیل های تئوریک روی نمیداد . او از واقعیت مبارزه و فعلیت انقلاب رهسپار میشد ، و به تئوری تنها از زاویه دید یک انقلابی درگیر عمل مینگرد . بررسی و تحلیل تئوریک وظیفه دارد موانع راه مبارزه را رفع کند . این برخوردی لنینی با تئوری است و تمام زندگی لنین شا هداین مدعاست . (بطور نمونه ، در ۱۹۱۴ ، لنین نخست نسبت به جنگ امپریالیستی موضع شکست طلبی انقلابی را اتخاذ کرد ، و تنها دو سال بعد ، در ۱۹۱۶ توانست تئوری اقتصادی امپریالیسم را ارائه دهد ، ...)

برای یک لنینیست ، انقلاب پاسخ به معضلات

تئوریک و تحلیلی سیاسی نیست ، بلکه برعکس تئوری وظیفه پاسخگویی به معضلات انقلاب را دارد . برای یک لنینیست ، مبارزه کردن مساله ای نیست که بتوان از تئوری و تحلیل نتیجه گرفت ، یا نگرفت . فواد کمونیست بود ، ولی نه بمعنای محدودی که جنبش کمونیستی دوران او را کمونیست میخوانیم . فواد یک لنینیست بود . او برای مبارزه کردن علیه سرمایه داری و دولت سرمایه داری ، برای مبارزه کردن برای رهایی کارگران و زحمتکشان محتاج تئوری نبود . برای فواد ، مبارزه حالت طبیعی حیاتش بود و در تئوری صرفا پاسخ این امری است که چه کنیم تا مبارزه ما پیشتر رود ، پیروز گردد؟

این ویژگی در فواد است که در جنبش کمونیستی زمان خود ، به واقعات غول آسای یک کمونیست انقلابی در کنایه رکوتوله های پوپولیست میبخشد . هر تحلیل و تئوری پوپولیستی که پاسخ سوالات فواد بعنوان یک انقلابی را نمیتوانست بدهد ، بر عملکرد سیاسی و مبارزاتی او بی تاثیر بود . با چنین شیوه برخوردی است که فواد در اتخاذ موضع و در تئوری سه جهان بهمان میزان سرعت و قطعیت داشت که در قبایل رویزیونیسم نوع روسی .

نمونه ای دیگر را در تاریخ بیاد بیاوریم : روزالوگزامبورگ چندین سال عمر خود را صرف تدقیق یک تئوری نادرست از امپریالیسم نمود ، در زمینه مساله ملی به تئوری اشتباه آمیزی معتقد بود و در مورد تئوری حزب نیز نظرا و درست نبود . و در هر سه این موارد نقطه نظرا و نقطه مقابله قابل نظرات مارکسیستی نه غیرا لنینین قرار داشت . با اینهمه وقتی انقلاب آلمان فرارسید ، انقلابی که بر حسب نتایج تئوریک او شانس پیروزی نداشت و نمی باید آغاز شود ، روزالوگزامبورگ به تئوری خویش وفا دار نما ند و بر مبنای نتایج تئوریک خود موضع نگرفت ، بلکه آنچنان که شایسته یک مارکسیست انقلابی است ، با انقلاب همراه هم - جهت شد و تا پای جان برای سروری آن جنگید . هیچ

کمونیستی شک نداشته که روزا لوزکا میورگ به صفوف آنها تعلق دارد.

شیوه برخورد فواد با تئوری، شیوه ای لنینیستی است. او انقلابی ای بود که هدف خویش را یک لحظه از چشم دور نمیگرد. چشم او همواره به مبارزه طبقاتی و انقلاب دوخته بود و همه چیز را در پرتو رسیدن به هدف میدید. هیچ تئوری ای که بوی ترلز، انفعال، سازش یا تسلیم را میداد نمیتوانست برای یک لحظه هم معضل ذهنی او شود. به اصطلاح آشنایی که امروز در صفوف ما رایج است، کاک فواد یک کمونیست "ایدئولوژیک" بود. و این نه فقط در شیوه برخورد او با تئوری نمودار است، کوچکترین غفلت فردی نیز همچون پیچیده ترین تئوری ها برای او با این محک سنجیده میشد که "ما را به کدام سومیرد؟" و اگر معنای تلویحی آن تعطیل یا تخفیف مبارزه بود، فواد آن را در دیگری یا در خود به یکسان بیرحمانه نقد و طرد میکرد. منشا تیزبینی و سرعت انتقال فواد در ارزیابی نظرات، رویدادها، و ثابستگی ها یا نقاط ضعف اشخاص نیز در همین خصوصیت ایدئولوژیک او نهفته است.

آری کاک فواد در عرصه تئوری مارکسیست انقلابی نبود (و بیاد دنیا وریم که تا ریخا بسیار دشوار و بعید بود که غلاف این باشد) اما شیوه برخورد لنینی او به تئوری، درک او از رابطه تئوری و عمل، و موضعگیری ایدئولوژیک او نسبت به تئوریهای رویزیونیستی، حتی در این زمینه نیز اشتراک فراوان با مارکسیسم انقلابی دارد.

ما رکیسم انقلابی یک جریان فکری نیست، یک جنبش انقلابی اجتماعی است. تنها انقلابیون پیگیری که آرمان رهایی کارگران و رحمتکشان رهسپار مبارزه ای بی وقفه برای دگرگون کردن جامعه طبقاتی میشوند؛ تنها انقلابیون پیگیری که سازش ناپذیر و بی ترلز در هر مقطع و هر مرحله از مبارزه پرچمدار مواضع و سیاست های عملی ای هستند که تعمیق و گسترش انقلاب را تنها از طریق تحقق اهداف و قدرت یافتن

توده ها دنبال میکنند، تنها چنین انقلابیونسی میتوانستند بر اساسی پرچمدار مارکسیسم انقلابی باشند. مارکسیسم علم است اما تاریخ نیز نشان داده که انجام علمی آن موجب نمیشود تا احسان منطقی ترین ذهن ها به مارکسیسم روی آور شوند. چرا که مارکسیسم علم رهایی پرولتاریاست، علم یگانه انقلاب اجتماعی ممکن و رهایی تمام بشریت از اینزورتها صادق ترین، منسجم ترین و معمم ترین انقلابیون را بخود طلب میکند. تعادلی نیست که در میان تمام سازمان های چپ و انقلابی سنتی پس از قیام بهمین، تنها کومه له به یمن غفلت توده ای خویش، به یمن تعقیب تاکتیک ها و سیاست های سازش ناپذیر و انقلابی در عرصه مبارزه سیاسی و نظامی، به یمن پیگیری انقلابی خویش پرچم مارکسیسم انقلابی راه تمامی برافراشت. و این چنین است که وقتی اربابان نزدیک و هم زمان قدیم کاک فواد میرسید، سی هیچ تاملی خواهند گفت اگر کاک فواد زنده مانده بود امروز پرچمداران و پیشتران مارکسیسم انقلابی بود.

آری، فواد به مارکسیسم انقلابی ایران تعلق دارد. نه فقط به این دلیل که حزب کمونیست با بدوارت بهترین سنت های انقلابیون اصیل و کبیریش از خود باشد، بلکه خصوصاً آن تروکه هر آنچه فواد بعنوان یک انقلابی و کمونیست مظهر آن بود، جز هدایی ناپذیری از جنبش مارکسیسم انقلابی است. گرامسک داشت و هراست از میراث فواد، یک شرط پیروزی مبارزه و حزب ماست.

■

آنچه در بالا آمد برای شناخت شخصیت سیاسی فواد نیز موق العاده ناقص است. زندگی او کوتاه بود اما دوره ها و حوادث سیاسی در آن بسیار. ارکا رمخفی در شیرها و روستا ها گرفته تا چهار سال در زندان شاه. سپس دوران او جگیری انقلاب ۵۷، قیام بهمین، و ماه های بعد از قیام و آغاز جنبش مقاومت... برای شناخت شخصیت سیاسی فواد و

بقیه در صفحه ۲۳

خطاب به سربازان و افراد زحمتکش درون نیروهای مسلح رژیم در کردستان

اکنون ششمین سال است که جمهوری اسلامی جان و زندگی شما را در راه بقای حکومت ضد بشری شاه به بازیچه میگیرد. کشتن و کشته شدن بغا طرجمان یکی ازها رترین حکومتهای استبدادی جهان! این سرا پای آن وظیفه‌ای است که رژیم بردوش شما گذاشته و به اجرای آن موظفستان میکند.

در این مدت جمهوری اسلامی شما را وادار به توپ باران و خمپاره باران مزارع، روستاها و شهرهای کردستان، وادار به کشتار مردم زحمتکش کردستان و وادار به اجرای سیاستهای ددمنشانه خود نموده است. در این مدت جان هزاران تن از شما قربانی سیاستهای ضد انقلابی رژیم شده و ارمغان وی برای خانواده‌های شما چیزی جز جنازه‌های فرزندانشان و اعمال فشار برای برگرفتن جگرگوشکان دیگری از آنان نبوده است. جان اینان در جریان لشکرکشی رژیم به مردم معروم، انقلابی و بیباک‌هاسته‌ای قربانی شده که مصمم است تا کسب پیروزی تا سرچیدن و بیرون واندن همه ارکان جمهوری اسلامی از کردستان لحظه‌ای از پای نشینند.

در این میان رژیم همواره با عوام فریبی و جنگ تبلیغاتی، غیر از نابودی جنبش انقلابی و مسلحانه کردستان داده و با چنین وعده‌هایی سعی نموده است هر لحظه شما را منتظر نگهدارد و چنین وانمود سازد که جمهوری اسلامی همین امروز و فردا انقلاب این مردم را ریشه کن نموده، به کار کردستان پایان داده و نیروهای نظامی روی امنیت و آرامش را خواهند دید.

اما آنچه پس از ۵ سال و حتی در شرایط اشغال کردستان می‌بینید فعالیت گسترده پیشمرگان و مقاومت توده‌های انقلابی مردم میباشد.

آیا مگر خود هر روز بی پایه بودن و بی‌ثباتی بودن جنجال تبلیغاتی رژیم را در مورد نابودی انقلاب در کردستان مشاهده نمی‌کنید؟

اکنون با پدیدارگشته و از خود سؤال کنید: حال که ۵ سال است رژیم شما را در چنین وضعیت فلاکت باری قرار داده و مجال نداده است که شبی راه آرامی و فارغ از هر دغدغه خاطر بی به روز برسانید، تا کی با یدبه چنین زندگی خفت بار و نا امن و سراپا دلهره و اضطراب تن دهید؟ تا کی باید هر روز تعدادی از شما کشته شوند و با تعداد دیگری از زحمتکشان کردستان را بکشید؟

شما حق دارید و با یدبه سرنوشت آورنده خود و به جان و زندگی خود و خانواده خود فکر کنید. بخود آید! این رژیم نه تنها دشمن مردم کردستان و همه مردم زحمتکش ایران، بلکه دشمن خود شما هانیز هست. مگر شما را با زور از خانه و کاشانه خویش بدرون سربازخانه‌ها و پایگاه‌ها نمیبرد؟

مگر در درون پادگان ها تحت ددمنشانه ترین مناسبات یک زندگی جهنمی را به شما تحمیل نمی‌نماید؟

و بالاخره مگر با زور و اجبار شما را به جنگ مردم زحمتکش نظیر خودتان نمی‌فرستد و شما را به

کشتن نمیدهد؟

سربازان! افراد زحمتکش درون ارتش و نیروهای مسلح رژیم در کردستان!

شما ها همان توده های کارگرو زحمتکش و دهقانان فقیری هستید که خود را خانواده تان از زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بیزار رگشته اید.

نگذارید جمهوری اسلامی جان و زندگی شما را وثیقه بقای حیات خود قرار دهد.

هنگامیکه انگشتان خود را بر روی ماشه تفنگتان فشار میدهید، متوجه باشید که گلوله -

های آن به سینه همان مردم زحمتکشی فرو میبرد که همانند شما تحت ستم و مشقت بوده اند، مردمی که اراده کرده و برای آزادی و رهایی مبارزه میکنند.

سربازان! زحمتکشان درون نیروهای مسلح رژیم در کردستان!

سرنوشت خود را به سرنوشت این رژیم منحوس و رفتنی گره نزنید.

سرنوشت دیگری، سرنوشت انسانهای آزاده، انقلابی و شرافتمند را برگزینید.

صوف رژیم را ترک کنید و خود را به پیشمرگان معرفی کنید.

پیشمرگان کومه له و مردم کردستان با آغوش باز از شما استقبال خواهند کرد و شما را در

انتخاب و در پیش گرفتن زندگی شرافتمندانه یاری خواهند داد.

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

۱۳۶۳/۶/۱۳

بقیه از صفحه ۲۲

را مواظف میکنند قاطعانه افشا نماید و با تکیه بر تاریخ چندساله جنگ مقاومت در کردستان نشان دهد این رژیم دشمن قسم خورده مردم کردستان است و هدفی جز توطئه گری برای نابودی این جنبش عادلانه و پایداری کردن ابتدائی ترین حقوق مردم کردستان را دنبال نمیکند.

۲) سلیخین باید با یادآوری سوابق خدمات افرادی چون مدنی و لیبرالهایی نظیر آنان چه در حکومت و چه در اپوزیسیون، مانع از آن شوند که جنب و جوشهای اخیر انسان و تبلیغ لزوم اعتدال و ملامت از سوی آنها خاطره جنایات آنان را در ذهن مردم کمرنگ کند، تبلیغات ما باید مانع از آن شود که مردم بستوه آمد به این نتیجه برسند که "آنها هر چه باشند بهتر از اینها هستند" نفرت مردم از همه این جانباختگان با بدتاریخ روز معاصره انقلابی آنها زنده و پابرجا بماند.

۵) تبلیغات ما باید به توده های مردم تحت ستم نشان دهد که بهترین راه بیرون رفتن از این شرایط مشقت بار سرتنگ ساختن جمهوری اسلامی از طریق یک قیام توده ای تحت رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست او و برقراری یک جمهوری دمکراتیک انقلابی است که در آن مردم مسلح متشکل در شوراها خود بر سرنوشت خود حاکم خواهند شد.

کمیته مرکزی کومه له

۱۳۶۳/۶/۳۱

اطلاعیه درباره سیاست رژیم در اخذ اجاره اجباری از دهقانان فقیرگردستان

توده های مردم گردستان!

دهقانان زحمتکش!

مدتی است که جمهوری اسلامی دست به توطئه فی دیگر علیه زحمتکشان روستاهای گردستان زده است. به این ترتیب که در بعضی نقاط گردستان نظیر کامیاران، سقز، دیواندره و بوکان دهقانان زحمتکش را موظف نموده که در ازای زمینهای که چندسال پیش با مبارزه خود ما دره کرده اند به دولت اجاره بپردازند. همه مردم گردستان آگاهند که از روزهای پس از قیام، خوش نشین ها و دهقانان فقیر گردستان، با مبارزات خود بعضی از زمینهای مالکان را مصادره نمودند و به تصرف خود درآوردند.

طی این مدت، دهقانان فقیر و زحمتکش با استفاده از این قطعه زمینها توانسته اند قوت لایموتی برای خانواده خود تهیه کنند. اما اکنون جمهوری اسلامی میخواهد هر طور شده این دستاورد آنان را با زپس گیری و با مقرر نمودن اجاره بها برای این زمینها نه تنها لغوه ناسی را که با رنج و مشقت بدست آورده اند از گلویشان بپرون کند، بلکه بطور ضمنی میخواهد اعلام کرده باشد که این زمینها نه متعلق به دهقانان زحمتکش بلکه متعلق به دولت است!

دهقانان زحمتکش گردستان!

زمینهای که شما چندسال پیش مصادره کرده اید نمره مبارزات شما، نتیجه تحمات، تظاہرات ها و قطمنا به ما و تصمیمات انقلابی خود شما، نتیجه مبارزات و رودرروئی های شدید شما با مالکان و فعالیت های انقلابی تان علیه آنانست. این زمینها که شما چندسال پیش مصادره کرده اید، همچنین یکی از دستاوردهای جنبش انقلابی گردستان است. این حق مسلم شماست که از حاصل دسترنج و مبارزه خودتان و از این زمینها بهره مند شوید!

زحمتکشان روستاهای گردستان!

همانگونه که تن به سیاست تسلیم اجماری دشمن اشغالگر جمهوری اسلامی ندادید و بسپنج نشدید، همانگونه که علیه سیاست سرپا زگیری رژیم استادی، علیه این سیاست ضد زحمتکشی رژیم نیز به مقاومت برخیزید! همانطور که با مبارزه و مقاومت خود توانستید این زمینها را مصادره کنید، خواهید توانست با مقاومت و مبارزه آنها را در دست خود نگاها دارید!

اجازه ندهید جمهوری اسلامی این دستاورد را از شما با زپس گیری! شما میخواهید قدرت مند و محکم در برابر رژیم با بپسید، البته چنانچه پراکنده و تک تک در برابر دشمن با بپسید. مبارزه تان مبارزه ای ضعیف خواهد بود و شکست خوردن از دشمن دشوار نیست.

بنا بر این صفوف خود را متحد سازید. اتحاد، شما را نیرومند و شکستناپذیر خواهد کرد! در هر روستا گرد هم جمع شوید و در مجمع عمومی خود قول و قرارها بتان را بگذارید و تصمیم بگیرید که هیچگونه آهاری به رژیم نپسردارید!

با زحمتکشان روستاهای اطراف نیز تماس بگیرید و با آنان نیز حرفها بتان را بپسید. کومه پشتیبان مبارزه شماست. کمیته بخش ها و پیشمرگان کومه له در میان شما هستند و برای هرگونه مشورت و راهنمایی آماده اند.

مردم زحمتکش روستاهای گردستان!

کومه له شما میخواهد که از حق دهقانان فقیر دفاع کنید! و پشتیبان مبارزه تان برای ندادن اجاره زمینها بتان باشد. سختیها و مشکلات دهقانان زحمتکش را سختی و مشکل خود بدانید و برای رفع این مشکلات تان را کمک نموده و با آنان همگامی کنید.

ما زمان گردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

بقیه از صفحه ۲۳

حادوانکی مواد. مواد انقلاب و در انقلاب زنده است. تا هنگامی که انقلاب زنده است، فواد زنده است؛ و انقلاب تا هنگامی زنده است که آرماهای فواد در ما زنده است...

گفتم که من فواد را تنها دورا دور دیده بودم. اما حالا او را شناختم. چرا که مواد از آن دسته انسان ها نبود که زندگی شان با مرگ پایان میگیرد. فواد در تشکیلات ما حاضر است. پیشرو است، رهبر است. منتقدی بی رحم است آنجا که کوچکترین تزلزل و بی اصولی روی میدهد. و دوشادوش و پیشاپیش ماست در هر آنجا که ایمان به توده ها، ایمان به عقانیت مبارزه، و ایمان به پیروزی ما را به پیش میبرد. فواد را در این چند سال در تشکیلات و در انقلاب با شناختم. اکنون میتوانم بگویم او رفیق من نیز بود - هست... رفیق فواد...

ایرج آذرین - ۹ شهریور ۶۳



هیات تحریریه:

ابراهیم علیزاده
حعفر شفعی
مدیق کمانگر

کلیه کتب جهان منتهی به

تکون آن، تمام این مراحل می باید مسود مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این حتی ترسیم خطوط اصلی سیمای سیاسی کاک فواد، بدون یادکردن از خصوصیات فردی او واقعاً ناممکن است. من نیز همچون هر تازه واردی در کومه له، داستان هادر این باره شنیده ام. برای شناخت شخصیت فواد باید همچنان در انتظار رسیوگرافی نویسی شایسته - ای بود تا کار به تاخیر افتاده نگارش زندگی نامه این انقلابی کبیرا برعهده گیرد. اما نمیتوان از فواد سخنی گفت و بیاد دنیا ورد که او برای درستان زحمتکش و رفقای همزمنش تسمام میدوید و پیروزی برد، گفتگوهای مادی با او نیز روشن نبود و بدیدار رسیده اش ایمان به مبارزه و پیروزی را افزایش میداد. یکی از یاران نزدیک فواد تعریف میکند که "تنها یک لحظه در زندگی ام به پیروزی شک کردم. وقتی که از رادیوی حکومتی خبر شدات کاک فواد را شنیدم. جنبش منلحا نه تازه آغاز شده بود و ما در کومه بودیم. از خود پرسیدم آیا برایستی انقلاب بدون فواد پیروز میشود؟ و مطمئن نبودم." اکنون پنجمال تمام است که زحمتکشان کردستان و پیشمرگان کومه له پاسخ این سوال را میدهند. انقلاب بدون فواد نیز با پیروز شود، و میشود. پیش از هر کس فواد خود ایترامیداست. اما اگر ما نتوانسته ایم بدون فواد به راه پیروزی برویم و تا به اینجا پیش آئیم، از آن رو بوده که به آرمانها و شیوه ها و هر آنچه فواد بهمان انسانی آن بود با بیند مانده ایم، و تنها بشرطی بیشتر خواهیم رفت و به پیروزی دست خواهیم یافت که تمام آن ارزشها را که فواد چکیده آن بود یکدم از دست نروگذاریم. آری، انقلاب بی فواد پیروز میشود، اما بدون آرمانها و بدون روحیه فواد پیروز نخواهد شد. اینست رمز

برقرار باد حاکمیت انقلابی توده ها

☆

صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر
 ساعات پخش: شنبه تا ۵ شبه: ۹ بعد از ظهر
 و ۶،۴۵ صبح

جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست
 ایران را به اطلاع همه برسانید

☆

صدای انقلاب ایران

طول موجهای: ۲۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲،۴۵ تا ۱،۳۰ بزرگان کودی
 ۱،۳۰ تا ۲ بزرگان فارسی
 عصر: ۶ تا ۶،۴۵ بزرگان کودی
 ۶،۴۵ تا ۷،۱۵ بزرگان فارسی

توضیح و بپوش

به علت کثرت مطالب نتوانستیم
 بخشهای مربوط به "اخبار مبارزات
 توده ها"، "گرمای بادیاد جا نیاختگان
 راه سوسیالیسم" و "درخاشیه" را در
 این شماره بجا برسانیم. بدینوسیله
 از خوانندگان بپوش می‌طلبیم.

☆

پوی سوسیالیسم

نشریه تئوریک حزب کمونیست ایران
 دوره دوم - شماره نهم - شهریورماه ۱۳۴۲

• طاقی برزگر: مباحثات و بنیاد سوسیالیسم در ایران
 • مراد و محمد کومیس: نقش سوسیالیسم در مبارزات
 • تقی کلاسی: نقش حزب کمونیست
 • دکتر پیرزادگان: نقش آگاهی
 • سوزن آرا: نقش آگاهی سوسیالیست در مبارزات
 • عباس: نقش سوسیالیسم در مبارزات
 • حسین: نقش آگاهی و سوسیالیسم
 • حسین: نقش آگاهی و سوسیالیسم



کمونیست شماره ۱۱ منتشر شد



کمونیست شماره ۱۲ منتشر شد

پوی سوسیالیسم شماره ۱
 (دوره دوم)
 منتشر شد

زنده باد سوسیالیسم